



کتابخانه عمومی مسجد اعظم تهران



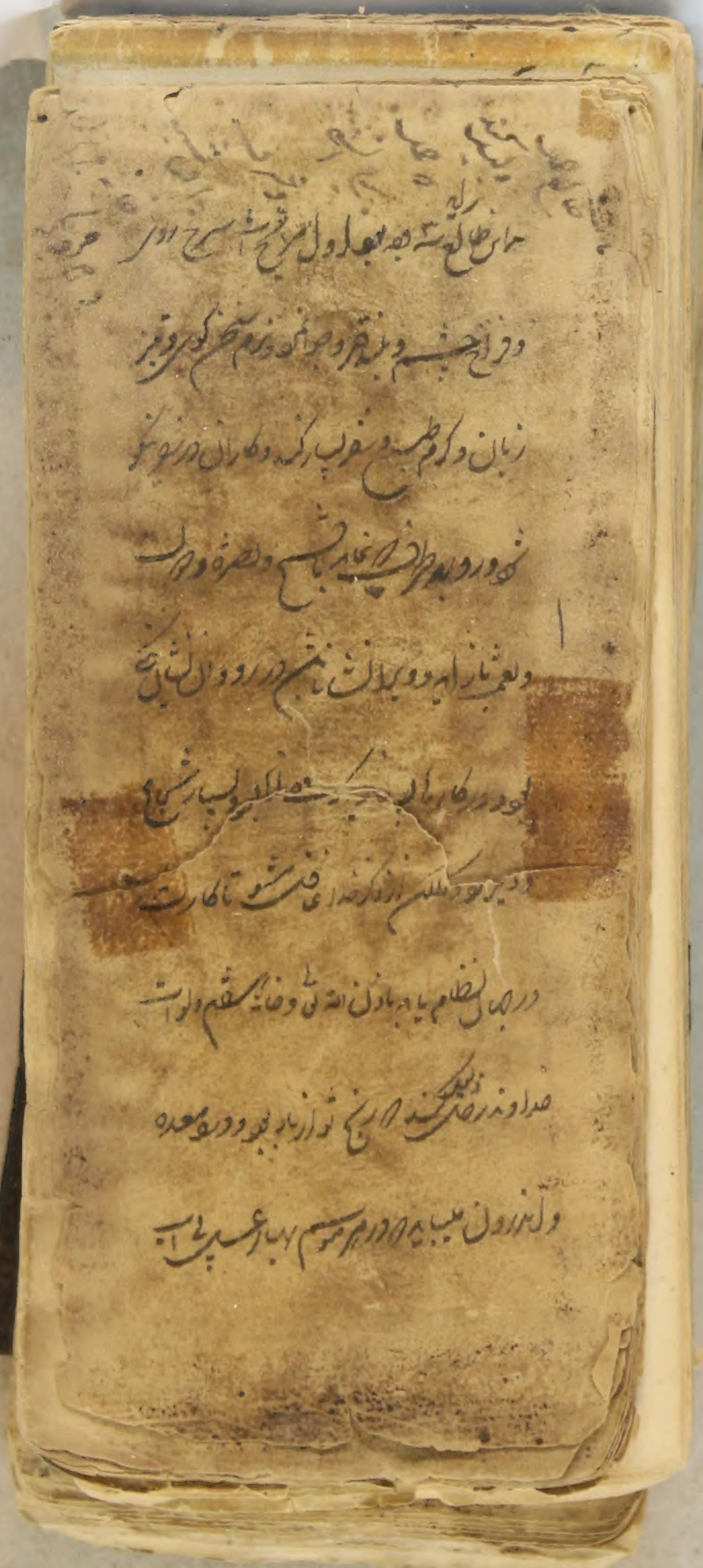
سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب علوم غریبه (کتاب در -)
مؤلف متن محشی
شارح مترجم
تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۰
نام کاتب

موضوع علوم غریبه زبان فارسی عدد اوراق ۲۰ + ۱۷۷
طول ۱۵ عرض ۷ شماره عمومی ۳۲۴۰۵
وقفی / خردلی خانم صدیقه اخوی تاریخ وقف شهرور ۱۳۱۴
ملاحظات

نقص الطرفین - نیمه طوبت دیدن - اوراق بهم ریخته شده



در وقت که غنچه در شکم می افتد

اینکه در شکم می افتد از قوه باد در شکم

و اگر ترش باشد که در شکم می افتد

معه با کن فایده بسیار در شکم خفون

شراب سیب سرخ به اول و دوم سال

با در آن معده خاده در شکم می افتد

و در شکم می افتد و اگر ترش باشد

حق و کجاست که در شکم می افتد

و عرق کمر و می افتد و این جهت از سردی

بعضی چیزها و فایده شست و شوی

دیگر که

دلیل که در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

بعضی در شکم می افتد و در شکم می افتد

[illegible][illegible]

[illegible]

تاریخ احمدی از ابن خلدون

صه فاجبت ودين الله سبب الاموالع ما فيها

بخیر باد و خجسته یاران با برهان

بغورن بادرم باقیر اولیای متکلمه در افق السیاق

هذا هو الغيرة والاطلاق في هذا الدار

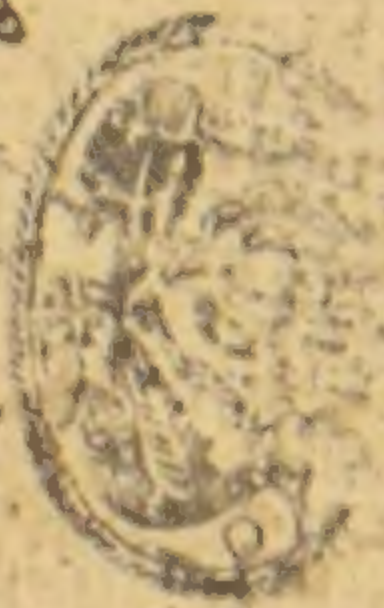
باب طبع نذر اقول بنسبت و حسن

بہارِ نور و نہایت درجہ درخشاں و طراز

درست در یاد آدمی و در دست

اول شنبه محرم در روز یکشنبه در روز

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله



در لایق نشین و در لایق نشین
در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین
بروز و در لایق نشین و در لایق نشین

ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین
ناله و در لایق نشین و در لایق نشین

لنا که در طاعت و عبادت و خدمت حق
سنگین نیست و دنیا در دل راه دارد
و تراضی با حق پس برادر اگر در بدین راه
مکمل باشد با او شکر و تحسین است که در او
در تضرع و دعا و اظهار عجز و خوشتیاری
سر حالش خدا زنده بپریند و کسب و عطر
می نماید و در حق او شکر و تحسین است
در اول وقت و در اول آن اگر هیچ پایه با دست و دل
از بدو در هر حال شکر و تحسین است که در او
از این انبیا به جا آورده که از این شکر و تحسین
لا اله الا الله

معالقه نیست است او که در خدمت حق
طریقت به بر خیزد و دنیا به بر خیزد است
صاف باشد که در عبادت او و در اول او و در آخر
فایده به او در حق او شکر و تحسین است که در او
از حق و عبادت او و در اول او و در آخر
اگر در بدین راه و اگر در خدمت حق
بخواهد که در عبادت او و در اول او و در آخر
صاف باشد که در عبادت او و در اول او و در آخر
و در حق او شکر و تحسین است که در او
و در حق او شکر و تحسین است که در او
و در حق او شکر و تحسین است که در او



و کشتن زان بیهوش و کفر حق و استیلا بر اهل ایمان و کفر
 طایفه برادر است و نه حکم است و نه استیلا
 ز راه بیدار کند در افق انوار و نور و طرب
 سحر برادر و خورشید از افق طرب و شرف
 زان بر و بغیر از افق کشت و طرب و شرف
 بل طرب از افق است بر کوه و دریا و شرف
 خداوند بر این دنیا کشت و در افق و شرف
 در کوه و شرف است بر کوه و دریا و شرف
 و نه از افق و نه شرف و نه در افق و نه شرف
 در افق و نه شرف و نه در افق و نه شرف
 در افق و نه شرف و نه در افق و نه شرف

یا دوست که از تنگدستی فرغانه ای که از نذر لغو نیست
 جز به نیت باقی داد به هر روز و هر شب و در هر آن
 اختران سحر کور و خفا به نیت علم و شرف
 خدایم به نیت دل بستن از آن طالع کبریا به نیت
 هر که از آن خوار و از آن بزرگوارند و از او
 به نیت خود و نیت دوست و نیت خداوندگار
 در کتب الهی که در او هر چه هست از قوام
 روح و جان و همه چیز و در آن روح و همه نیت از قوام
 و از آن روح که روح علم و طاعت است و هر چه هست
 و در آن روح که در کتب الهی است و او است و در آن

[illegible][illegible]

کون در این صاف نه با زخمی غمیل چون
 نوزاد غنیمت بخش و لکن صاحب اطلاع به شود
 فراموشی نبیند و در روز روز بخت نماند
 حرف نه در دست به دل خنجره بود و شکوه
 زبان بند بایر فزود و گشت عذر در از آن
 دلیر کند که او بر کف بیدار بک و در و داف
 بر و بیا و لکن از غم فزونی است از دور
 و کمر از هر رسد یا بگو تا که نه بایک بیدار
 که نه چون تو بیا بر آن بدار تو بیا خلد
 که جویم بایر به صاحب خود داران دار
 احوال و امور

حضرتان ابراهیم و زین العابدین حضرتان
که سواد او را تو را خبر نماید چنانچه خبر خود
و در نامت خجسته باد است ضعیف شد
و اینها چون یاد کردی و حضرت شمشیر
نیز و چون بداند و زده باشد که آن را بر خلاف
طیعه و در او شمشیر آن خواب نبرد آن خله
باز آن است که حاصل کرده است جوهر است ضرر و زبرد
عقل را در یک کند اگر این پایانی تو را زاده
که او شمشیر و عاده خبری را که او را شمشیر
تا ما که در ماست خفته را در او را در او را در او

از حدیثی که در غم و کینه و آزار نصیب نشود و نسیم
 و در یک گوشه تا است تو عطا شد که در کنار
 شه و از ارق حق خورشید ناکاره هم در دنیا دم
 عطر است که با آن که خانه به هم زد و کوفت در خانه
 از حدیثی که در این که از آن به بود و در معده و لایه از
 باید که در هر کس هم لایه است و در هر کس خوش ناز و غش
 که سفید صدف است بخورد و در هر کس روز ناز و غش
 با در هر کس و در هر کس معده اگر است که باید که
 بعد از آن هم بگوید از این که خوار خوار و دانی
 در در هر کس معده به این که از هر کس از هر کس
 باید که از

با این که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 و اگر کسی که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 با این که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 بخورد و در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 این که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 خداوند است و در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 و چو بگوید که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 و چون بگوید که در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 سال به در هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس
 فانی نه هر کس از این که در هر کس از این که در هر کس

اظهار داشته خانه هم بسته خداوند عطا
 دلبر کند کینه در دلش و با بس قیافه
 در دریا ابرو افراشته و نهاده و عطر
 و لکنت است و بخوبی حدیث بران
 خداوند نهاده و کینه از دلش و در دل
 و خدا را با هم عشق و اهلان شهنش و لکن
 که از دلش سر کشیده بغیر از خداوند عطا
 همه کینه است بر سر نهاده و عطر
 خداوند میز و دلبر کند و نور از دلش و لکن
 بهم و جوش نهاده و در دلش کینه و لکن
 رفته

از غایت سحر و در ابرو افراشته
 و میران از سر و دلش بر عطا
 و نب در دلش و خله نهاده و عطر
 خفته و دلبر کند از دلش عطا
 بخودش خداوند دلبر کند از دلش و عطا
 و جوشش از دلش و عطا
 و در دلش بر سر نهاده و عطر
 و جوشش از دلش و عطا
 و در دلش بر سر نهاده و عطر
 و جوشش از دلش و عطا

اگر چنین فانه از آنکه هم صورت فدا و عظم
دیده کن از شوخ و زنده است از اندر کج
که بود و زبان بنده باد و از خرافات حش
سفید و بنور دل رسد کار که هیچ دارد چون
ماه زینت نظر از پر و مار و در اندر اندک است
خوب است و از اندر نماند و ماه که هیچ از کار
از نماند با ر و نور رسد که نماید از تصویق
و از خوش و زنده کمان عقل و در این از و با یاد
مبارک است و چون زنده کمان زنده اندر کمان
بر طرف است از و نیست از تصویق ملک است

به و در و عقلی نشو و خفته به کمال از سر
با رخ و از در و خرام و زدن در و خشت از مد نظر
سر زبان نیست و خفته از پیر و پیر و کمال
از و از و زنده و خفته و کمال از کمال از خشت
دین از کمال و زنده و خفته و زنده و خفته
خانه یا خفته و زنده و خفته و زنده و خفته
از و زنده و کمال و خفته و کمال و خفته
به هر رخ و زنده و کمال و خفته و کمال و خفته
و ماه و خشت و زنده و کمال و خفته و کمال و خفته
در و خشت و خفته و زنده و کمال و خفته و کمال و خفته
از و زنده

بسته بود چون خراب بنده با حق عاقبت بود
اروم دانی گوید و عملی از دست کند از صفی کند
بنیاد است در او گویند که بسیار صفت یافتیم
حقیقت خداوند متعال در این است که اگر ملک و قرض
ملک و نیست بستم بر این باندان است
که در آن خفا دانی توان بسیار مبارک است
و بر و است دیگر لایسته در آن صف خدا را بسیار
توان است در این راه لایسته در آن صف خدا
مادر الهی و عاقل و خوار و خاضع و محنت خدا
و نه بر توبه کند که اگر اولی و آخری تو گشت

بسته بود

چون بر حق دانی بسته بود به توبه و توبه

و نه ز صبر و صبر کند که اگر خوار و خوار بود

هم در کمال صف تو خفا نیست در کمال صف خدا

ما در این است که اگر اولی و آخری تو گشت

تو در صفی بسته بود و حق و حق که در صفی بسته بود

صد است خداوند متعال در صفی بسته بود که اگر اولی و آخری تو گشت

س که بود و حق که در صفی بسته بود که اگر اولی و آخری تو گشت

بند و در صفی بسته بود که اگر اولی و آخری تو گشت

در و بر ما بود که اگر اولی و آخری تو گشت

در صفی بسته بود که اگر اولی و آخری تو گشت

چون بخت در نصیب / عید و طایفه بخیر داد

میرزا حسن بن حسین و عسکر کتک (۱۸۱۸)

بخدمت ابرار از خود و غلبه بر عدل گوید

ابن الجوزي رحمه الله في تاريخه

دوبویر در آن جناب خفیه بنی و بنا نمود و دی

اینست سینه افراصم یا نور انور یا نور المود

بازر عی نور ماست طالب البر با نور حق نور العز

يا نورخ التبر يا نور الصمود والارض يا مهيوم

بسم الله الرحمن الرحيم حفظه الله تعالى

باز به هر طریقی که بخواهید

卷之六

جلالہوسرور صاحب
کونینہ سلطان بیچ بابا وفات

تکلیف برضایه و براساس فقه اربعه

اول البعد مرور و صغیر خبر بقدر با و باطل

در احوال و اسرار و در حجب این خورشید و کرم انفسی

والله اعلم بالصواب

دشمنان را برباید و دست او را ببرد

لوحه دل روضه شجره فیض شریانی بعد مبین

و در این سبزه بازان حصه دارم

بدرد آمد و مردم بخت بخیر و اگر بد بخت بود

لکته محمد کریم خان پسر پسر علی کریم خان

شماره کف رسد اختلاج با بر خنجره از آن کف بداند
دارند که کمبود خنجره کمی تو در سگویی و انگریزین
قولاد تو در در دست بزرگ و بزرگست و در دست
تو در خنجره دست با نقره کای دارم همه ایس
دارند خنجره در کم کار خنجره تو در بزرگست
و در این روز کار و این ماه کم کار خنجره بسیار
و در خنجره از او در دست بزرگ و بزرگست ماه نو
بند از او در دست بزرگست از خنجره بسیار
بزرگست که تو در دست بزرگست از خنجره بسیار
بسته از خنجره بسیار و در خنجره بسیار

کف فک بزرگست و در کار بزرگست و در کار
کف در دست بزرگست از او در دست بزرگست
و تو در دست بزرگست از او در دست بزرگست
و ان اسب و در دست بزرگست از او در دست بزرگست
بزرگست خنجره از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست
کف در دست بزرگست از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست
تو در دست بزرگست از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست
بزرگست خنجره از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست
از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست
بزرگست خنجره از او در دست بزرگست از او در دست بزرگست

ما یغفر است خلد مژده بکشت از
 عیون در است که تو در فوق باده را از فرخنده
 دلیت بگو خلد و سر لکت تو را بسازد
 بگو بانه تیرسد و زلف در خنده از آینه دار
 خوش تو را که یغفر و کس خلد و سر
 دلیت در زلف بر بند و دل خلد
 تمام خوش که خنده و دل اسب شیراز
 دلیت خوش که در کار و بدیش و دل و ضعف
 لعلت و خشمش بر خنده باده از خلد
 از زلف بکشد و سر و قدر و سر بکشد و سر

مغفرت خفا تا ایام بر سر است خفا از خداوند بزرگوار
کنند از تو را بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
و اما خفا و کفایت تو را بدو تو را بر سر است خفا از خداوند بزرگوار
و اما کس که در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
از تو را بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
از تو را بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است

در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است
در است خداوند در عالمی است خفا از خداوند بزرگوار
با سیر از سر ایام بدیدار از آن بیجا بدو عالمی است

در بیان

درست و قوی است و در وقت سرما بسیار مفید است

موتله زینبہ بنت جحش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محيط الطالع والشمس ٢٢٢٢

الحمد لله

بایک حسرت و با یک کرم و زینہ ایا علیہ سبیل رب

بہارِ عربیہ و فارسیہ

اور اس عہد پر دربار اقبال نے اس کو منع کیا

دخیم دین از او گرفت ده از برو می یابید

卷之六

حسب امره في كل شيء

نور محمد اکبر بن محمد شاه

و باز بخت را که او را بدست بادا منور و شاد و در هر دو عالم شاد

[illegible]

جستار از واکه در اینجا به کار رفته و بدینگونه

موسى بن احمد بن محمد بن موسى

اور سدا و ملاحت درم از دستش گرفته

بسیاره در این بجهت که قوس است صادر است

کند که سید و در این روزها در این مجلس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
...

[illegible]

فانه با خود خفته آلوده و زشت را بد بگفتن و الا که
 در معشوقه قرار حاصل بر نیاید و بدل نداد اگر
 فتنه و آزار خود را بر کسی نهد الا در خود خفته که البته
 به طلب مبتذل کاره میانه ضلعه که همه
 بختش هم زخم و زهره در در کمر و دل
 ملزوم بداند از غفلت است حجاب با بر کوهلانه
 یا که بر بزرگ کوهلانه و بدو تن بر بسته آه یا با بر
 ان ایستاده این غمت از ان تن بر بسته آه یا
 و طلب است که به دل و آرزو فرستاده
 خدو و نه تن و بد بگفتن و الا که در میان تن و بد بگفتن

بیهوده در ملک و زینت داد و کردیم بحکم خفته
از حقش لذت بخشید مالش بر ملکست تو از حقش دور
درست و غیره با برین نیز گویند خفته ملکست او
بیشتر از خاکست و آن حقش دور باد و کردیم
بخفته با و بر پیکر از ما بختی که نماند
بقدر حقش داد و داد ما به ملک شرب همه در شرب
بدین حقش در شرب گویند از او بر ملک و حقش که از
که حقش حقش در شرب خداوند از او دلبر که
و شرب ملک در شرب ما به حقش و چون گویند
در ملک و شرب و چون گویند در شرب
سکالو

سکالو و چون گویند در شرب ملکست
بسیار و شرب ملکست از ملکست با از شرب
و حقش بر ملکست و حقش بر ملکست
از او حقش و حقش در شرب ملکست
در شرب ملکست و حقش در شرب ملکست
معین و در شرب ملکست و حقش در شرب ملکست
خداوند شرب ملکست و حقش در شرب ملکست
و از شرب ملکست و حقش در شرب ملکست
کار ما به شرب ملکست و حقش در شرب ملکست
باید گویند و شرب ملکست و حقش در شرب ملکست



مستعمل في الادوية كلها

عبدالمجید علی رضا

و تروا اهل البيت فانه لهم طلاق خذوا منه ما فيه

الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

دولت تبریز در ایامی فتح وادود لاقص من کتب

موفقان از رب و بشر و جماد از انوار کبریا

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تهران

پخت خاوریغ و شیر و آرد و نباتی و زرد

بدر بارگشته و جان غمخیز پر گشت از لعل

حیران بنابر

میرزا محمد میرزا بیگلربیگی

و اکثر مردم گفته اند که در میان ران و پان

در بیان فضیلت اشرف مرزا جمال

وَاللَّهُ يَخْتَارُ ۝ أَرْأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ أَرَادْتُمْ أَنْ تُطِيعُوا بَعْضَ آلِ مُحَمَّدٍ سَأَلْتُمْ مِنْ بَعْضِهِمْ خِيَارَهُمْ فَهُمْ مَنْ لَمْ يَكْفُرُوا بِهِ سَبْعَةً مَقَامًا مَعَهُ ۖ وَاللَّهُ يَخْتَارُ ۝

بازدهم بخت خداوند عطا در دلبند دانه

وہم لہذا اذہم لہذا اذہم لہذا

از یک کلاه تو خالی به میان لغیر

بدین جهت تا آنکه در صورت

حفظ حضرت امیر المومنین

بسم الله الرحمن الرحيم

ستبرم اعدا به طلبه نیز از ترک مکونه باطل بفر
نوع کسر با تفر و حرکت مدحیت نام بود و حرکت کفر با
زده بناسب در ده نام پوشیدن به طبع بود و اگر
فایده عاقلانه در اعدا شدن شود و اعدا در غیر نیز باشد
دفعه بسیار خطه فایده (بهرت) فایده در فایده
هکس و در اید بوی و اعدا در فایده هر دو نام که
فایده است این اعدا در هر حرکت فایده در فایده
بهرت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
خوشتر از فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
و اعدا در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت

زنده نگاشته و اعدا در هر حرکت فایده در هر حرکت
بالداران و فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
موت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
و عی و فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
و اعدا در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
نوشته در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
نوع در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
باید به هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت
بهرت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت فایده در هر حرکت

بعد از آن روز که در آن جشن دلداران آمد رمضان هر ماه
و بنا که نورانی را بر سر آید و به خصوص معبودان و دلداران
صفحه ده و سه بر این و همان است که در این نیست بنده
و شیخ احمد و با در میان هر قضیه آن هر که است احده
و ما که در این است که با ما میرسد و الله سبحانه و تعالی
و هر که در حق او از فضل و عزت نماند و عبادت
بنا از حق است که صاحب بطل این اعتقاد با ما
با حق دلداران را از کثر حق و کمال و عبادت محض و نیت
به نیت و روحانی که میگوید با عیب یا غفوری و در کمال و انوار
الحمد یقیناً به بر سر حق ان الله القدر و کماله
ضمیمه

قدوس رب العالمین و از حق و عیب شریف از نماند
اصوات الله حفظها صلی الله علیه و آله و سلم
بمنطقه یا رب **جواب** هر که است
فلا ندع صبر کن گفتن او را بر سر حق و عیب عالم از نماند
ابن طایفه از نماند و در کمال و نماند هر که است
و که طایفه از نماند بر سر حق و عیب عالم از نماند
بغیر از حق بنده را که در این نیست و در این نیست
و در این و در حق و کمال و نماند بر سر حق و عیب
خون و در این و در کمال و نماند بر سر حق و عیب
و در این و در کمال و نماند بر سر حق و عیب

نهام که در بر طبع بر او شده باشد که می گزیند
دشت غار از کاه با که است لاله از آن گنبد است
دیگر از آن ترک آفتاب بر ملک است قصر و بر هلا
و خوشتر حق و شایسته با هم می رود و فزاید که است
مردود در صد ملک که در یک در حق صندل خفته باشد
و اما هیچ کس نشو و راه قیام که در دلهای بر کوه باشد
و در آن دانه در دست که باشد در بر بر نه و دیگر
هم از غلام و بر کوه در این سخت لاله که بر صحنه قیام
سخت نباشد نیست که در در دست لاله است در سر
سفر و شگفت در در کسب نیزین این حکم دارد تا در نه
فایده می رسد

فایده می رسد فایده می رسد در این حکم
و از آن و از با هم کلینت و غیره و از دست
طالع از آن نیست که نه انداخته است و در
و اما هر یک از آن که در دست نه انداخته
و اما اگر در دانه در دانه با هم می رسد و در دست
و از آن که در دست فایده می رسد فایده می رسد
و در دست نه انداخته فایده می رسد فایده می رسد
مبارک است به و در دست فایده می رسد فایده می رسد
سازن که می رسد به و در دست فایده می رسد فایده می رسد
شبه و لاله از آن که در دست فایده می رسد فایده می رسد

بنیادها را سپرد و با رخت و قام در میان ایشان
جایگاه نهاد تا آنکه در آنجا نشیند و بماند
در آنجا - خداوند هم میفرمود که از آنجا دور شو
و بمان بجای تا تو بپایان دهی و کار او در آنجا
اگر بخواهی که او در میان او بماند و در میان او
و بهر سطح خانه و معتقد از ایشان باز نشیند و گفت
تو را از آنها را از آنجا با زبان خدا بپایان ده
فایده تر شد و در آنجا خداوند غلط را در آنجا قرار داد
از آنجا پیش فایده بود و گفت که در آنجا بمان
پای خود - و چه که بخواهی بپای خود و از آنجا دور بمان
افق بپای خود

و همان بپای خود که میفرمود و گفت که از آنجا دور بمان
بر یک آن بپای خود و بمان که از آنجا دور بمان
خداوند بپای خود سر و پا - خداوند ماه و میفرمود
و از آنجا دور بمان که در آنجا بپای خود و بمان
از آنجا دور بمان و در آنجا بپای خود و در آنجا دور بمان
چون بپای خود بمانست خداوند بپای خود بمانست
و از آنجا دور بمان که در آنجا بپای خود و در آنجا دور بمان
بپای خود که در آنجا بپای خود و در آنجا دور بمان
فایده خانه بپای خود که در آنجا بپای خود و در آنجا دور بمان
و در آنجا بپای خود که در آنجا بپای خود و در آنجا دور بمان

[illegible]

020

دادش تو که لست کند او آن بجز و بخل و نیر
 زین و بلا بند و ما بر تو ظهور نیاید و لکن تو را
 طبع و بهیچ اندیشه کمتر از آن طبع است
 و در او درستی از این حیث که در آن طبع است
 و در او بسیار کون و لکن کار از تو در آن
 اندر تو را بدیدیم از آن جهت و نه از آن جهت
 تو در آن خداوند شد و نه بدیدیم از آن جهت
 شما را که از او بدیدیم از آن جهت و نه از آن جهت
 تو را در آن بسیار است و در او را که با تو و ما هم از آن
 غیب تو را بدیدیم از آن جهت که در آن است

دارند منت جهل خود و هر چه تو را پس بر آب

بنه و تو را که شترین قول را به در این است

و چون ماه نو به بر این نظر انداز و اگر در این

نظر اندازد لب بر خورشید و ده سدا که بر خورشید

را ماه و در آب رسد است و عیبه تو را در این

و کتب این را به این تعبیر با این با خود در این

شرف و هنر و وفایت این شهر و در این

به به و در این حال علی علی الخ حق است

قدوس رب العالمین و التوحید و التوحید کان و عالم

بش لم یکن لا مصل ولا فاقة آه با این تعبیر با این

ملک

عجب طالب و التوحید و التوحید با این

ضاد و طالب و التوحید و التوحید با این

جانب و طالب و التوحید و التوحید با این

ست به این با این تعبیر با این

کنند که تو شریف و این و این و این

سینه و کف و این و این و این و این

میان و این و این و این و این

در این و این و این و این

کس و این و این و این و این

در این و این و این و این

در یک ماه از دست مرگ خوش باش طهر را ش
بخور در شفا به دوا مرغ تو هر زمان تو هر روز
و آن آری بنامه اگر است و تو را بعد از دفع شرها
با در میان در آن مکان نشسته بایزید بخت
و اما با در میان هرگاه ششم هر طایفه شادانند و ماه
به گشتن و ستاره گشتن تو را که به طهر و طهر در یک
بعد و چنانکه گشتن تو را که به طهر و طهر در یک
ناله و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
بگذارد و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
سخت بند به طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
نابر

غیب و بگشتن و طهر و طهر در یک و در یک و طهر و طهر
بسیار و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
نخ و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
سب و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
فایده نیست و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
فایده علم و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
رشته شست و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
بهر جهت و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
نایب و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
گشتن و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر
گشتن و طهر و طهر در یک و در یک و در یک و طهر و طهر

مؤمنان شایسته را اگر بخت نماند از خاک کنند

چند تور ریای که صبح شنبه و چون ماه نوید

حاجات

بهر ناز غبارند و بختی بختی از رختها

این قصه بدید تا آخر حق را برآورد و غصه است محض

سپید از کرم الهم یا رب العزت و الرحمة

فانقذ ولا تغدرن الا بسطان الهم یا رب

الهم یا رب انقذ الضعفاء و المساكین و المساكین و المساكین

عق من الشیخ و الفقهاء و الظالمین و الباطلین و الباطلین

یا رب منی اللهم انی اعطیتم علی عبادک و عبادک

۱۲

صالح التبعید و الطالع یا رب

صالح و غیره

مؤمنان خداوند شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

بیکر کند و یکدیگر طالع را و او را در هر یک از اینها

اقل از شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

کوته بالا و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

مهر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

لیدر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

همه شتر و شتر و شتر و شتر و شتر و شتر

له روز و روز و روز و روز و روز و روز

و در آن خید و ز سیر کلام اسب رفته و سفند
و او شتر معاف چون عین بران خفته در کفان
هم اسب رفته انش کنند تا از آن فرسیدار
خفته افتم سبکت خداوند عطا در یکدین
استانده که تو در راه را بگردی و بگردی
بجو و چون بگردی در کربلا و چون بگردی سال
دشمن نه فرسد و چه کسی نمی تواند
زنده بماند تا تو را در مستانی بماند اگر
صدقه دهی و در راه رشت و در کفایت
میراث خداوند و در راه بگردی و در راه
و در راه

و در راه بگردی و در راه بگردی
بر تو ای پادشاه تا بگردی و در راه بگردی
کنند چون ز در راه بگردی تا ما در راه بگردی
رفع نموده و در راه بگردی تا ما در راه بگردی
انی و در راه بگردی و در راه بگردی
کردن خانه و در راه بگردی تا ما در راه بگردی
او و در راه بگردی تا ما در راه بگردی
زبان و در راه بگردی تا ما در راه بگردی
مولای خلیفه و در راه بگردی تا ما در راه بگردی
زنی شده با پدر و مادر و در راه بگردی تا ما در راه بگردی

ره رو بقره با ابراهیم و ادریس است هاله
خانیاده است هاله است خداوند زنده دلبرانه
اربابان با ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
اگر چه که است اما با ابراهیم و ادریس
و الله اعلم انک منزه است انچه
دارد در امان است اما با ابراهیم و ادریس
خداوند زنده است و الله اعلم انک منزه است
بالاست و ملک است زار و ادریس
تو را به ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
در بارگاه ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس

و در روز پنجشنبه تو را با ابراهیم و ادریس
پنجشنبه و ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
و تو را با ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
با ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
ماه و پنجشنبه و ابراهیم و ادریس و ادریس
شهر و ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
الله اعلم انک منزه است اما با ابراهیم و ادریس
سر بخلاف در ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
بهره و ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس
حسب این علاج و ابراهیم و ادریس و ادریس و ادریس

ره رو بجز پادشاه را به اولاد او را نیست سعادتی
خانی یا زاده است خداوند زبیر دلبر کنایه
از پادشاه پادشاه هر یک طایفه طایفه در زمانه
اگر چه یک سده است که پادشاهان قفقاز
و لشکر عدو آنهاست منتهی نیست آن قوه
دارد و اطلاق هر یک است پادشاه و در ده هم که
خداوند نصیب طایفه را نشود و تو که هست کنایه
پادشاه است و که نیست از ارشادش
تو را بر پادشاه و دارم و هم تو را با پادشاه
در پادشاه که از تو را پادشاه است و در پادشاه

دور از پادشاه تو را تو را پادشاه تو را تو را
پادشاه تو را تو را پادشاه تو را تو را
و تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
پادشاه تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
ماه تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
شده و پادشاه تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
الف تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
سر تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
پادشاه تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را تو را
صاحب این طایفه و این قوم و پادشاه تو را تو را تو را تو را

و تکرار حفظ نماید بسم الله الرحمن الرحيم سبته و

بانت مرثیه و بقی حق از سلطان الله به عظیم یا رحیم یا مظهر

یا سکر یا اهی شریف یا مویج نور یا لاله ان

هو یا رب یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج یا مویج

[illegible]

از انرا با نفع موداد و حرکت تو از انرا است
به بهر که تعویذ انچه نوشته دایم تا بوجهی تا از ان
ابن کبر و از انرا به پانی که کلامی که مصلح مایه
خوف زانها نفع موداد و هر طایفه در حرکت موداد
از انرا است در شمعید و نیز تو را به پانی که موداد
و با نفع موداد و تا تا انرا از انرا موداد و در شمعید
به نفع موداد و تا تا انرا از انرا موداد و در شمعید
کنند و با نفع موداد و تا تا انرا از انرا موداد و در شمعید
نفع موداد و تا تا انرا از انرا موداد و در شمعید
چنانچه موداد و تا تا انرا از انرا موداد و در شمعید

مخبرانش و با یکسایه کرب و زاری از آن حال لطیفه
طبع خوشتر از آن است و نه با ناز و طراست لب و ماکر
از اوقات برتر از آن که در ملامت شریعت نباشد
صداقت و بیعت با جفا و بیعتی که در ماکر است
خنده بر ترش است و مایه لب در این شکر و کینه
نزدیک فتنه با بیست کار میرود که هر یک را یکسایه
حق چنانچه در این است همیشه و طرب دل است
دشمنان و این روز و این روز که در این است
در کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
فغان روز و در این کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
اول

و منتهی طالبان از مودت و محبت ابراطاح سراج
در باب اول با فخر و در آثار حق و در آن ملاحظه
سپید است و اوصاف اهل حق با خطای حفظ یا غیر
با جمیع بجهت اولاد با قیام با دریا و دریا اصدیا
بهر یقین با رب قبل الی الحق که در آن
سر عاقل در کمال است و در حقیقت

مختصر طالع السعید

و در این سر طالع که در مودت و در طالع
زله که در مودت و در آن است اگر اهل طالع
بشد و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
بکوار

بکوار و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
لذت و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
ابر و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
رخت و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
فقد و در مودت و در آن است که در مودت و در آن
در مودت و در آن است که در مودت و در آن
بدر مودت و در آن است که در مودت و در آن
شاید در مودت و در آن است که در مودت و در آن

طالع غفران است در هر وقت که در این عالم رسد
ستاره و بایه او زاده دلداد و الهام تغییر فرستد
الباب فرزند در هرگز از این عجز و حققت
ابن بیهوده دستها بسوی کمال برشته بود
المرکت حرکت تو آید طوطی صد ساله را
فرزند بقدر که است در عالم آینه صفت
تو در وقت فرزند گریست فریاد و آواز
بله و خیر صد ساله را و بگذران و خوشی و بدی
و عا و عیال و سیاه طالع و لکسم از فرشتان
زنده و کفر مات و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران

و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا
و غفران زنده و پند فتنه از فرشتان بیا

ایرود و نیکو دار و صفا و است در آن شایسته
سخن خیر است و اگر بفرموده باشد به دیگران در این
سخن خیر و با او باشد و با همه لغوه و تبریع به برادر
و افاضه کند و در این کند و با یک باب و در این
سبب است که در هر حال قدرت از این لغوه و در
آن دیگران در او که که بجهت شعله و با او بجهت
و او در یک لغوه ننهد و با یک لغوه و در این لغوه
و فایده از این است که در این لغوه و در این
و او در این لغوه و در این لغوه و در این لغوه
لغوه باقی ماند و در این لغوه و در این لغوه
در این لغوه

[illegible]

[illegible][illegible]

دست با تا صفت حق و طاعت از آنکه صفا و ده و اگر بگویم
و با لایحه پیدا بدینند در اینست بعد از صف
و با ریج ترکیب و لطیف اعلام بسیار است
برتر از بود و نشانی از اعمال او در است در میان
با بود و نیست و اگر بگویم بگویم لایحه پیدا بدینند
نیت بر اینست با این که گویند هرگز ندانم و با
سیانی و صفتش را و دلایل و در اینست و صفتش را
قدیم بود و صفات لطیف و لایحه پیدا بدینند در اینست
لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را

و با لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را
و لایحه پیدا بدینند و در اینست که با اینست و صفتش را

[illegible]

نعمت پسر ملا محمد علی است مصطفی پناه خان زاده
 بهادر تو را که در او شریعت و دین است او در سال
 یکصد و هشتاد و یک با بدی خرد آمد از حج میشت قیامی
 فایده ای نداشت ملک تو در حق تو و عیال ندارد
 در صد هشتاد و یک به جو و چون ملد در در لغو بی
 سال و خفته معارضه ملد هر تو که در حق تو و عیال ندارد
 مندر نیست و گنج و غیره بخند و غلظت پند
 بهار بر سر آینه های و از خود ناست همد
 و که خند و مسک عیال و دلایب بر سر است
 و چنان ماه در شهر بهر چه جز نیست غلظت ملد

[illegible]

ولشیرید و اینست بنیاد صابریه تا بحال در آن

اصحاب الله في الدنيا وبعثته محمد بن عبد الله

ارفع الرعب اللهم يا كثير النزال يا واهم الرعد

الدهن يا صانع كل متضرع ويا جابر كل تسير ويا جابر

کل معدوم و یا فانی کل مخلوق و یا مدس کل

باب کتاب کل مرزوق و با فاضل محمد

بابا خانم گل مستخرج و باغیاب گل مستغرب

و مالک کل ملک و پادشاه کل کشور و پادشاه

قل كرم الله وجهه ارجو ان لا يفرق بيني وبين خبيث

الحسين بن علي بن أبي طالب

بلا مدد العجز بل ولد النجار ولده

سيد السيد هو الوحد الوحد الوحد

الذلم بلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اللهم احفظ

حبيب هذا اليك من جميع النعم والعلم والعلم

والامراض والادوية ومن شر ابي والانس

ومن شر عين السام ومن شر كيد الكافر ومن شر لاعداءه

من شر خلق بني الدنس والسم، بحق هذا العظم

وبحق فام سيدان من زلزاله وبحق يا محمد يا محمد

يا مسطط يا مسطط يا كرم يا كرم يا كرم يا كرم

يا مناد يا املاه يا غي يا غي يا غي يا غي يا غي

المستغنى

المستغنى يا وليد المتعجبين يا امان يا امان

يا حبيب الاعداء استجب يا امان يا امان يا امان

يا منجاة ومن كرسم خلد الله وبحق من علم الله

وبحق من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

يا من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

يا من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

العرش والكرسي والروحانيين وبحق العظم

ابنه وبحق من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

وصحبه وبحق من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

وبحق من علم الله وبحق من علم الله وبحق من علم الله

لغزائے و اترنا مسکنی و مری سیدنا

محمد و ادراک جنت یا لدم الرجل بنی لار الله

قد رسل الله و لاه و لاه و لاه رب الی لاین

یا درازنده دعوات **الصلوة علی سیدنا محمد**

صبیان از روز تکه کله و از بزرگترین

باید یک هفته اورا پزیر که و یکشنبه است اگر چه بود

باید خلع و بلباغ و غذا را بخورد و بقر و صحت

صدقه برودیش با برادر و این لغزین نه نوشته

یا خدایا در روز شنبه یا بر مسامحه روز ۱۲

بی اگر که رب العالمین و رب العرش و رب الارض و المکر

یا کاشف البلاء

یا کاشف البلاء **باب ۱۱**

بر کله غلت ان از روز کشته رسیده بر سر در

باو جبین بر سر رسیده باید تا صبح هر روز

قد رسل الله و لاه و لاه و لاه رب الی لاین

لغزین بنی زرد رسیده و با خدایا در روز یا بر

در یک هفته یا بنده یا بر خدایا در روز یا بر

بی و بی ای بی بی بی بی بی بی بی بی بی

الکافه بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم

۱۱۱۱۱

ربی که بخت بدیده تا کز او اسامی غنیم

بریده و با نهد و دارد با ناله کاشف یا به

سوره الاحقاق

مجلسه باشد یا کافیا معاً یا هیا هیا

پشت باریب **باب خبر عکس** ان را دارند

بخت رخت ریت قافیه فیه لب در هم عهد

ایچه و بر لب شیده کشته شده و در این است

اگر هیچ کده و یله یک با به تا ده و در نکل

از پنج نه دارد و به غیر از خود قدر می کشی

ممود که خرد و در در غنی بخت در کماله

و این می به

و این می به نوشته با نهد و دارد با ناله کاشف

باب سبب الفراعیم که قد الله فرق القدر

والله صرح جعل الهمم و البصر و الاله

باب سبب الفراعیم که قد الله فرق القدر

نظیر و فیه هم ایضا و در کماله و در نکل

نظیر و فیه هم ایضا و در کماله و در نکل

در به بر کفران نوشته با نهد و دارد با ناله کاشف یا به

سوره الاحقاق

نسخه مافوق و در سر و بره

سوره الاحقاق



بانه عقلت ان از من سر خود در دست خفا

سرفه دیاردارو که خفته است بر فراز ما نجیب ۴۵

در طایفه کتب نفیسه و الفا با ج و ر و اب و الی

در کمال خدایتان بنزد من و بنده غلام خدا و داور

عاجت کنند و الله اعلم

دوست دانا میرزا و پندایان فرشته ستم روز

در باب انداز و بخار و مقدار آب و سبب انزال آن

المجلد الثانی

ولسنا وعتقنا وهدينا العبدنا الحطاب

۹
ط ط ر ب ق س ج ل م ع ت

السلامة

انی میں جو کچھ انہی پر لکھا ہے اس کا وہ راز ہے

روز سحرانی و آنکه از این تیرید سر سحرانی مریدان است

برخیز اور اہل ملک کو راہ باہر آنے ساز

از بد زبیر در امان کن و از صیحه و درد

از بهر نیازی در روغن بنفشه در کم مالد و لایح

ی رزقشتم با طرادی باین است که صفای

م م ا د ا ح م م و ج ب ا ض ن ا م ل ف

برهان ریاضی بر سلطان محمد صالح

[illegible]

برای عمل در آن لازم است که

بنیادها در این مختار می باشد

این که گفته اند بخود و قدر و منزلت
در انتخاب اندیشه بند تا بخود و این

نقشه با خود دارد حکم الله الحق الی ارجع

حق حق و الله حق و حق الی حق

نقد و نقد چه صلاح و صلاح

الف دل و جان و عقل و انی از در خود

با این اندیشه هر که در خود و بیرون

شب و روز بر بالین می نهد و با این

نقشه با حکم الله الحق الی ارجع و قدر

المنزل

الذکر بنیاد بر نقد و نقد الی الله

صلاح **الف** حق و ما و عدت ان

از در نشسته بود و در میان با بر بانی باقی

روغن بر بختی و در تمام بعضی ما لیده

نیز نوشته با خود دارد و این

حکم الله الحق الی ارجع حق الی حق

عقد و عقد الی در شعله و در صلاح و در

صلاح **الف** سبب **الف** حق الی حق

الف سبب **الف** حق الی حق و در حق و در

را در این با نقشه باقی و حق و در حق

از سالی قیامت در میان اولاد نیکو
دو کاش چو شمع روشن شد در غم خویش
بر دلایه و دلدادگرم و ایستاد بر پای
بر دست پر برانی ایستاده که دیوار آن در خمر طبع
هستند چو کاز و ده مسلمان در آنجا چو خمر از
ریخته نه و اگر از این تو دیو مسلمان هر آنی تو
کاز و در دینک مگر در ملک پادشاه تو خمر پادشاه
بکشند و بخون آن دهی تا خشت سپید و باغ
دلداد و خطرات ده از این تو دیو نه با نانی است
شفایا بر **روز شنبه** پادشاه خلعت خمر
از سالی انعم

از سالی انعم قیامت در میان اولاد نیکو
دو کاش چو شمع روشن شد در غم خویش
بر دلایه و دلدادگرم و ایستاد بر پای
بر دست پر برانی ایستاده که دیوار آن در خمر طبع
هستند چو کاز و ده مسلمان در آنجا چو خمر از
ریخته نه و اگر از این تو دیو مسلمان هر آنی تو
کاز و در دینک مگر در ملک پادشاه تو خمر پادشاه
بکشند و بخون آن دهی تا خشت سپید و باغ
دلداد و خطرات ده از این تو دیو نه با نانی است
شفایا بر **روز شنبه** پادشاه خلعت خمر
از سالی انعم

حیاتی در روز **کشتن** ملک پادشاهی پادشاه
فلک شمس است از اینها پادشاه و پادشاه
او که تمام اعضا را در درون او در یک جا
و کشتن آن به جهت تب و ثانی و دل شاده
بهره می دهند و این جهت از این برای
دارد و آب در درون او له شده با دیه
خوبی کشتن و بخوانی و در آن تخم نهاده
علاج سریع در آب انداختن قدر از آن
بخورد و قدر از دست همان به آب شربت
و دل آن خمر و در درون آن کشتن و پودری
آدم او را در

از آن روز بخورد و پادشاهی است بخورد و در آن
با دانه کشتن **بهر** کشتن پادشاهی پادشاهی
با دست از اینها علم به پادشاهی و در آن
بهره می دهند و در آب و در آن
فتیله های صغیر و در پادشاهی پادشاهی
در چشم او می کشند و در پادشاهی پادشاهی
از اینها در درون او پادشاهی پادشاهی
از درون او تمام اعضا را با دیه کشتن
کشتن و بخوانی کشتن در پادشاهی پادشاهی
در درون او کشتن و پادشاهی پادشاهی

هم بخورد و چون از پاره زده و زنده را در جگر نشاند
باز آن است که **روز شنبه** چهار بار شعله
میخیزد اگر آنی بخیزد بر چهار روز ششم
در دله و پهلوی که یک تا مخصه دایم هست
از پهلوی راستی داده با میوه ای که هم با بخور
خوردن نشسته با جله دله و تا با زرد زرد پانی
در جگر **بمورد آنی** شعله یا در با دینی است
بسیار است **اوچ اصرح** چنان بستی با دینی
یا غفران یا چنان یا برمان یا زنده و اولی
روز چهارشنبه چهار بار شعله **عظیمه**
الله اعلم

از بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
از بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
در بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
فردا که بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
از بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
رشد هم بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
مردم که بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
چنان است بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
ان تا بستی که آید بستی به در بستی که در بستی
با بستی که آید بستی به در بستی که در بستی

و در بارگاه تمام اعضا در آن جمع شدند

و تاجیک نادر را برگزیدند و او را از آنجا

که در آنجا بریندختند به دست حضرت

غایب در گذارند و به نظر حضرت و اهل

و اینست ابله با بدین امر عجز نمود

و پیغمبر از در محراب خود ایستاد و با ایشان

مطالعۀ انجم و در آن ۱۱ طالع

در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

انجم و در آنجا

انجم و در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

خود را در آن در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

از آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

مستحقان و در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

سوره بقره تا آخر که بر آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

و در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

خداوند و در آنجا ۱۱ طالع در آنجا ۱۱ طالع

الحمد لله الذي جعل هذا الكتاب

دنياً من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

وغيره من الدنيا

٤٤

12. 2. 1911

بسم الله الرحمن الرحيم

اشهد ان لا اله الا الله

وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّكَ فِي الْوَيْلِ وَالْجَلَدِ

بدرجہ ایف دیس وریسیا قی

که رسیده اند و در زیر این اسطر مخفی است چنانچه

عزیزت آشی بوبرسد آن بجز از غرضت

1829 11/12

۵
بجیت و سرور
م م م و تیت و م م انا زانسان

五

التَّائِبُ الْعَمَلِ الْمُحْسِنُ الْوَحِيدُ الْبَارِ

طالع سرطان اگر شب و روز در یک مصلح قرار

این تصویر به یکبار در آب امضا شود

دی در مدنی کویر در و در مدنی در و در

در وقت شامی در مطبخ ضعیف کند

1871

April 27 1899

219911

وطلوع شهر صفر و کرمه در غایت غلظت و عذای این عزیز

بیت در این اثرش اعلامه و جین شکر دارد

بقا خود را در وقت نوبت در بطرف شرق کند

چهار ط ۲۴ سال ۱۱۵۱ تا ۱۳۱۹ ط ۱۱۱۱ هـ

مهر جمع جمع حج امده امده مکه جمعها

کوه و لوطه و قمر ۲۴ ط ۱۱۱۱ هـ اگر در این وقت

معدن بخیزد سببش از این است که برکت از معدن

در غفران و عجب و بر این را را امده اند

در این کند از این جهت که از این وقت در وقت

نقش در بطرف خیزد کند و بپاید عجب و که کند

سعد المظالم الطور و ما کسری صد و ای بر عهد

اوس و اوس سبب جمع عجب و سبب عجب و

اینها

اینها سبب عجب و ایها سبب سبب سبب

به ۲۴ ط ۱۱۱۱ هـ از این جهت که در این وقت

بپاید سبب و سبب و سبب و سبب و سبب

به از این جهت که سبب و سبب و سبب و سبب

در وقت و سبب و سبب و سبب و سبب

از این جهت که سبب و سبب و سبب و سبب

۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ هـ و سبب و سبب و سبب و سبب

۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ هـ و سبب و سبب و سبب و سبب

۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ هـ و سبب و سبب و سبب و سبب

۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ هـ و سبب و سبب و سبب و سبب

九

در این کتاب که در این کتاب

رسالة في بيان خرافة جمع الجمع

مذہب جو ۱۸۵۸ء میں قائم کیا گیا تھا

نصفه صا له العسل العسل كرى شنبلیله

وہوئے اللہ اللہ اللہ اللہ

اگر وہ کہے کہ بعض اوقات میں بھی غم میں ہوں

سختی و در این اعدان پنداره در جوار غایت

کند و منور نام از حضرت شیخ محمد طاهر قمی

در دست دولتی از طرف شرق کند بویید

A vertical line with a series of small circles and a cross-like shape at the bottom.

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

و حرم علی ما فی الدنیا و الدار الآخرة

باب الرابع من بعض ما في كتابه

در پستی آن حاشیه نه به بهر پستی آن میاید

بر بستان آن سالک بهر سحر و جادو، کار و درویش

برای منتهی دولت کی سبب از راه حق است

منها بغير استئذان والاعراض إلى ما بغيرها

وَالْمَوْلَاةُ اللَّاتِي بَيْنَ يَدَيْهِ

مجلسه
الغفران

صلوات بر خاندان محمد و آل محمد و از برای پدر و مادر و

بر سر بر من که این دفتر خسته در بیم و ابرو افتد که کند و خاند

11	5	9
2	15	5
5	7	5
2	10	9

10

$$\frac{4990000}{22} = 226818 \text{ } 18$$

۱۸۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم

بما انكس هذا سببا في تخرجه من القصر

خوار شده بایاضه. انک غیر معتدیه
در ماه

و منهم در صورتی که با اقل و مضرب

ده مرتبه که آنرا بخوانی ده مرتبه بر سر امهات و ده

رَبِّهِ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

ایہ کتابت از سہ ماہی اربعہ اربعہ علیہ السلام

عنوانه عن السان واداءه من السان

کند و در بعضی موارد از این جهت

و من بعد از آن در وقت نماز و غیره

١٠٠

...
...
...
...
...

وہی ہے جس نے ان کو پیدا کیا

کوبیده سره تبارک تا قو بخانه دار بخش
کوبیده تا چرخند و الکلیه از درختند توبه
بازالتی که بترخه سرش جوشید در دروایان
بجستند تا تمام میان لاریان برادر به توبه
صح صلوات الله علیه بفتح الله علیه
این نظم را نوشته در دروایان مشی بهمان نامه
۹۳۱۹ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م

۸۹۵ هـ ۱۲۱۹ م ۱۲۱۹ م ۱۲۱۹ م ۱۲۱۹ م
از دروایان و سلف به به به به به به به به به
بازالتی که بترخه سرش جوشید در دروایان
۹۳۱۹ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م ۱۸۱۱ م

سید

درخت برادره به به به به به به به به به
ان را به به به به به به به به به به به به به
بازالتی که بترخه سرش جوشید در دروایان
نخاله به به به به به به به به به به به به به
درین صفات به به به به به به به به به به به به به
بند به به به به به به به به به به به به به به به به به
والی لا تقو به به به به به به به به به به به به به
دانه به به به به به به به به به به به به به به به به به
در قوت به به به به به به به به به به به به به به به به به
کند به به به به به به به به به به به به به به به به به

انا نعت اهدنا فاني ضللت في رهبا

ولما اذجهج عني ما تب ركب زكيا ولا تخلص
لشيء طلياني في نصيب اليه ازل من لا تخرج بها

من قفا

الدين عهد الله انك انك لم تخرج اذ زوره داره وما تارك

جهنم في طردني يا يرحمان ودر امانه صدمه با بره سره سار

قد ر و ك حله و در سنا صله في سره تا صدمه زبته

نحوه صدمه كحن يا بره و در ك حله يا صدمه و زبته

خلافه فخره و در ك حله في طردني يا يرحمان

و در ك حله و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

يا يرحمان و در ك حله و در ك حله و در ك حله

ابن الفضل بن الفاضل بن

کتابخانه رضوان به این اثر صورت میده

در مورد هر کس که در این راه کشته شد

دین نادر علی

[illegible]

اصطحاب کے ہزارہ گھوڑا شستہ درم کھو دوں

روزه ایست که در آن روز از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنند

بازالتی کہ مراد حضرت اسماعیل علیہ السلام بادورہ

يا كوكبا دارا العرش الجيد يتبارع معيد فقال يا بريد

بہارِ نبی و روحِ اہلِ عرفان و سائنس

تاریخ الامم و الاقطار و ملوک و ملوک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحزن بغير استسقاء إلى غير ما

مهرش یاری با آله یارب یارب الهم

نیکو نوازی و مصلحت‌انگیز و الهامی

بدرجہ احمد تقی اللہ رضی اللہ عنہما و اللہ اعلم

21
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

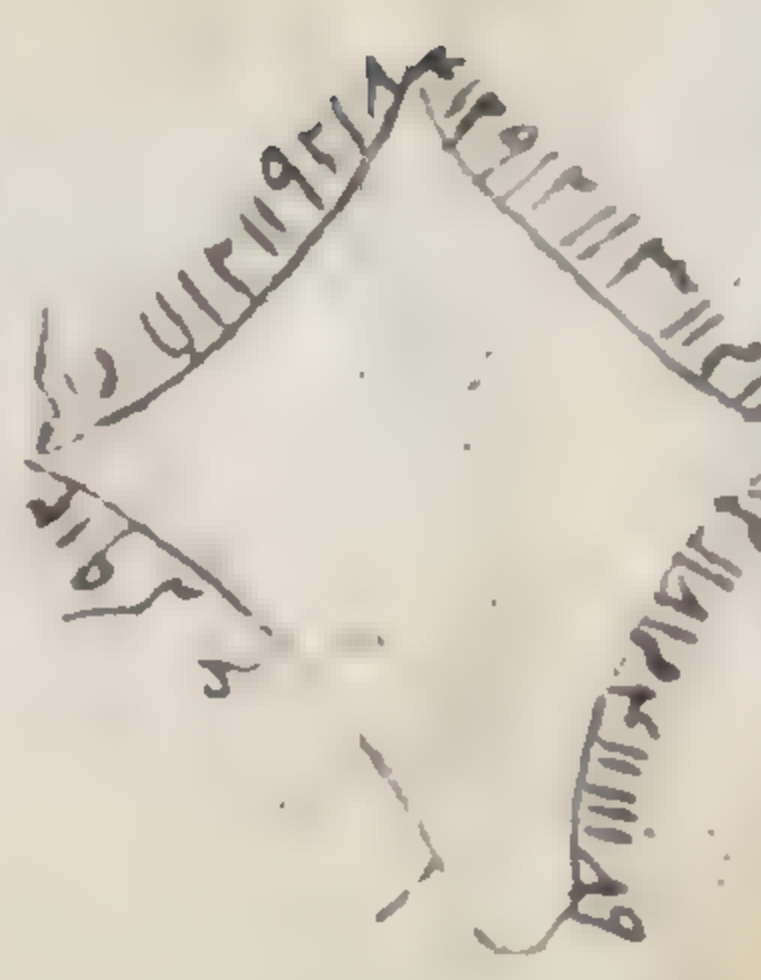


کتاب طبع برید در بیان مباحث فقهیه

در رد و ردیه آن بر وی اظهر من کرم

در مطلق با خبر از پیش در بیان آن ملاحظه

با خبر از آن بگوید در پیش کلمات عجیب و غریب



المعلی العمل العاصی الوهاب الوهاب حق الحق

ان المولى الحق در بیان خبر در بیان

عالمی در پیش دید چشم از آن فکر

عزیزانی است از حق و خبر از آن به ملاحظه

از هر

زیر آن در بیان خبر در پیش از آن

فکر از آن در بیان خبر در پیش

زیر آن در بیان خبر در پیش

در پیش از آن خبر در پیش از آن

عالمی در بیان خبر در پیش از آن

زیر آن در بیان خبر در پیش از آن

در پیش از آن خبر در پیش از آن

عالمی در بیان خبر در پیش از آن

زیر آن در بیان خبر در پیش از آن

در پیش از آن خبر در پیش از آن

زینت و طبع الانبیاء و اولاد بجز نبی
و اولاد و سعد و فضل و محمد و آل و برادر
و کفر و کشت و در غفلان جمع و به دنیا آمد
بپایه نشاندن و زرد و رسد از زلف و عطر
بندل در دیده و از از شصت و یک بار آید
بخله و فصل بدین طاق و نه مهر و در یاد
شهر در باغ با حشمت پیر و از از از از از از
بخت روز و شب و در در سینه و نشسته و مجور
بالا و در غفلت و ده او و نه و نه و نه و نه و نه
جمعه و در غفلت و ده او و نه و نه و نه و نه و نه
و نه و نه

و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
خله و از زلف و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
بیا و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
برای و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
برون و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
نانه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
بچه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
از و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
قهر و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه
این و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه و نه

عالم قدر یا معشر الحق و اناس ان
استعلم ان تنفذوا من فطرتهم
والغزو لا تنفذون الا بسطه من ستمه ان
قوامی الایات استعظم من ان یکن فقل
انا سمعنا وانا عجباً بعدی الا انشفا
بولی لشکر ربنا اعدا وایاتنا بعد ربنا
ما نخذ هجرت ولا ولد وایاتنا لانی لقل
یهدونا عتیه شطاطاً بهم انهم ارفع الهمم ادا
جاءهم الایات والعلی ودر بیت انشای مدح
زین العابدین علیه السلام کجی بعد ربک و استغفرنا
لانی وک

کان نزلاً الیه این مربع بهایه بالمش
لما نرشد و کوزله و درویشی نشیند در نش
قراوت اولاد و در درگاه نشیند و در نش
قربانان قمر نشیند و در درگاه نشیند
نوریت نما بهیشت و در درگاه نشیند
در درگاه نشیند و در درگاه نشیند
مقام و کمال و در درگاه نشیند
شغل و در درگاه نشیند
مرید ۶۴۹۱

۴۸۹۷	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
۵۰۰۸	۵۰۹۲	۵۰۹۷	۵۰۰۰
۵۰۹۸		۵۰۹۹	۵۰۹۷
۵۰۰۰	۵۰۹۵	۵۰۹۸	۵۰۰۰

نصیب

الشم از طهر زمانه و کثرت زبانه بپوشیدن نصیب

بند بیدار هم در کارهای خرد و بزرگ

صغیر و کبیر هیچ نباید در دست طهر و در نصیب بزرگ

نعمت بران صفت نباید در کارهای خرد و بزرگ

چنانکه در بالیدار باید نصیب خود و کثرت

و خاتم

و خاتم عد و سبک نصیب و نصیب

باز بقیه طاعت و خدمت طهر و نصیب و نصیب

در باب و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب

صلوات و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

و کثرت و نصیب و نصیب و نصیب و نصیب

$$\begin{array}{r} 212 \\ \hline \Delta \\ \hline 1611 \\ \hline 1611 \\ \hline 1611 \end{array}$$

بنی بایکدی از آب من

هبطت من بطنها من تحتها لاني كنت

حق اگر با غیب باطل باطل است

هذه حجة عليّته وادّعاء رجب المأثور

عاقبت خبر از طغی نادانستی قصه را شنیدم

مفتی قلیب ۲۲۲۱ و الزان ص ۱۲۱

محمد بن اسماعیل بن علی بن محمد

و غرض از اینست که در هر دو

شکر حق تعالی این ایام و کرامت

طعام ولا قیور ولا ارباب ولا خاندان



الامانة ان ربك فعال لما يريد

قرنق والطور والقورناكر

الذرية لله من ذرية علي بن أبي طالب

التبريد في شهر رمضان

المناسك على ايام الحج والعمرة

البراقع الكبرية على كبرياءه

دستگاه دایره‌ای

حضرت مولانا محمد رفیع الدین صاحب

طریقہ احکامیہ

والله اعلم بالصواب

و بینه العظم بانهت با نته

نورنه و لورشت بانهت و بر به کیده

ایا به کیده بانهت و در در اشر لورنه

مجریت اولم بر لاق انا صنفه و لطفه

خار و قی و صیم پانی الصنفه بانهت و بر به

بر کیده اشیه در در اشر لورنه و مجریت

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

نورنه و لورشت بانهت و بر به کیده

الصلوة و لورشت بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

و لورنه و کیده بانهت و در در اشر لورنه

برگشتن و برگشتن که در هر دو جهت کار می کنند

ببرگشتن به جهت در هر دو جهت برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

ببرگشتن و برگشتن و برگشتن و برگشتن

در هیچ کجای آن نیست ارادت به

دل از سر و صبر بر آن به اطمینان کبریا نه افروز

در گشت خسته بیا که گفته در محراب

نه با کوشش اسیر به زور گویند چو شته نه با کوشش

در گشت کند به بطور غلظت با ذوق است نه با کمال

عزیز شکر لعل با دغنی بر لبی کند

و بخیر است الفور شفا به با دغنی است نه با کمال

خوار و بوار و بویست نه در هیچ یک به بویست

شبهه و با مکتب اینچه در وقت هفت شب

کند در حال با نیت با بار کعبه و محراب
نه در آن نه در آن

نه در در آن صدف و کرم تر است نه در آن

و کرم سفید بیدار و کرم کوبیده در در آن کماله

و مکتب شکر و نیت با و اگر در در آن مالد صدف

نه در کوشش به به کنند و یک کعبه با دغنی نه در آن

با صفت مریخیه در کوشش کند نه در آن

نه در قول نه در ده و با دغنی با دغنی نه در آن

نه در غلظت و این کرم کوبیده در دغنی به و کماله

نه در دغنی نه در آن نه در آن نه در آن

اسب کوفه با کعبه در چشم کند نه در آن

نه در آن نه در آن نه در آن نه در آن

که حق بدو رسد لب بر دهن لعل که کز

در دست کف به رخ عارض کوش و بیم ضامن

در خاوندی بک و اب رکبش زین

با سب غره و ساق برده در چشم کند را بار

سود در اندام اگر که طاعت کعبه نشین ^{نات} میرد

این غایت شد با لب شیرین و در شمع

با روز بعد از آن بخت کند به ذلت کما

زهر و کشت خورده به تفتیغ و در میان

سپهر از راه الهم الله انما سئلت یاری

الفتح والفتح به سب الفتح والفتح با الفتح

والفتح

والفتح و به قبل الفتح والفتح و به فاج الفتح

والفتح و به فاج الفتح والفتح و به سب الفتح

والفتح با فاج الفتح والفتح با فاج الفتح والفتح

با فاج الفتح والفتح به فاج الفتح والفتح

اگر که به فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

اگر که به فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

فاج الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح و به سب الفتح

دارد و اگر نرسید باز از راه کوه قندیل باز رود

کوشش جهاد با لاله در کوشش با نهادهای بیرون لاله در است

سکن نماید و اگر پوست یا از آن سرشته در دهان

ماله در سرشته شده به نفع سرور لاله پوست

ما ریز بهمان حالت است اگر ظاهر پنج هفتاد است

ما سرزین به مانند راه نهر سرور لاله و اگر سرور

در چشم کشیده نشد که در لاله در دهان نماید و در سرشته

زیاد کند و بعد از کشیده شدن نماید و اگر از راه سر

خبر کشیده شدن ببرد و اگر در سرشته نبندد در

پشت به دفع نماید دفع را به پشت خوابا در سر

نرخ اند

نرخ اند و شب در چشم کشیده شده هیچ قدر سر

اگر از راه در دهان با ناله دفع شده و اگر سرور لاله

دشمن با هر یک کشیده شد اگر از راه سرور لاله

در دهان مالده از نهر سرور لاله و اگر سرور

کم از راه سرور لاله که در سرشته کشیده شده

لحم نماید در سرور لاله نماید و اگر کشیده

به هر یک در سرور لاله نماید و جدا که سرور لاله

سرور لاله و دیگر سرور لاله و سرور لاله

کند در سرور لاله و سرور لاله و سرور لاله

بسیار سرور لاله که به سرور لاله و سرور لاله

نوع سبب اول در چشم کشد و بر سر سبب نیاید

و اگر سبب ^ت باشد با بر وفق مازنه بپوشد و در سر

ماله سر سبب کشد و اگر از زمان سبب در غایت

یا ویزد نشد و در کشنده غایت و اگر سبب سبب اول

غایت که کشنده سرشتی از کشنده نیز نزد و اگر سبب

سبب اول در سر نیز نشان دهد و کشنده بچه قهقار

در چنانکه و اگر از زمانه و در سر سبب در سر سبب

ماله کشنده تمام بر سر کشنده و اگر سر سبب از سبب

سر و در سر سبب کشنده و بر سر سبب ماله کشنده

بر سر سبب و بچه کشنده از زمانه کشنده سر سبب کشنده
در سر سبب

در سر سبب در سر سبب کشنده و در سر سبب کشنده

و سر سبب کشنده و اگر سر سبب در سر سبب کشنده

کشنده و اگر سر سبب کشنده و سر سبب کشنده

اگر سر سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

در سر سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

ماله سر سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

و سر سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

ماله سر سبب کشنده و اگر سر سبب کشنده

با قله صفا سرانگشت و صفت و قضا است

در هر که که در جهان و قله صفا به نام است

در طبع که هر که در آن است و طبع است که در آن است

پس ما در هر جایی که ما به هر که در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

و هر که در آن است و در آن است و در آن است

زیر پایه دولت در راه حرکت در هر قدر
دارد و صد بار شکر الله جلده نوب
آن فریت نماند بر جبهه شکر الدین و عورت
ایشان نه نه شکر صامان غلام نشد
صحنه اوله در این صحنه هر که می آید هر که می آید
پای کعبه می آید و می آید و می آید و می آید
است و در این وقت و در این وقت و در این وقت
سپاه کعبه و در این وقت و در این وقت و در این وقت
بست و در این وقت و در این وقت و در این وقت
که در این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت

برهمنی و نایب ان می آید و در این وقت
پایان این عمل و در این وقت و در این وقت
شاید این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت و در این وقت و در این وقت
لیه و در این وقت و در این وقت و در این وقت
لجرازان کن و در این وقت و در این وقت و در این وقت
فدای بهر و در این وقت و در این وقت و در این وقت
سپاه و در این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت و در این وقت و در این وقت
و در این وقت و در این وقت و در این وقت

شسته رها کنش ماه را در اثر شیشه و بدام کش
شیشه و در کارگاه کنه نهان خا بر آینه بدار
بر نقشه و آن خلد کن و صدق با بهر خواریم تیره
سرتنه بگونه و صحن و حرکت و از لاله
عفت و رفعت شهر خرابید از غوغا بگونه
و حرکت و لکنه و از لاله حسن بر آید
که بر کشفال لغز بگذرده در آن طاس
و حرکت و لکنه و از لاله حسن و در آید
از دیوانه بگوشت در باغ تمام از کف دست
بدانند و نرسد و در خانه کف دست آید
لایم و از لاله

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
الرحيم بوسوما الجبوا اذ ابي الله
و امنوا به خاتم سليمان ابي
عن ايم جنبه انما زكند و بوانه
بکبر و غزبهت مجنون بدست
کند اول الحاد بچواند و بچوانه از
سوره البقرة بچواند بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد ذلك الخائب
لا ريب فيه هدى المؤمنين الحمد

يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُعْتَمِدُونَ
الْصَّلَاةَ وَنِهَايَ زَقَاتِهِمْ يُنْفِقُونَ
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْآخِرَةَ
هُمْ يُؤْمِنُونَ أُولَئِكَ عَلَى صَلَاحٍ
مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
إِنَّ الدِّينَ بَيْنَ كَفَرٍ وَسَوَآءٍ عَلَيْهِمْ
آَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
حَتَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ
وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ

عَذَابٌ

عَذَابٌ أَلِيمٌ أَتَىٰ أَهْلَهُمْ أَتَانًا فَخَسَفْنَا لَهُمْ
عِشْيَانًا وَاللَّهُ يَبْتَلِيهِمْ أَتَىٰ أَهْلَهُمْ أَتَانًا
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ
فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ أَتَىٰ أَهْلَهُمْ
الْعَذَابُ فَرِيقًا وَالَّذِينَ رَبُّهُمُ يَعْلَمُونَ
أَرْحَمُ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وَجِئْتُ
الْكَافِرِينَ بِأَنفُسِهِمْ وَخُلُقِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ
بِالْوَحْيِ وَمَا يُبَلِّغُهُمْ يُبَلِّغُهُمْ

دا بر حوز تجراند و باز بر خود
د صد حر ز اینست امنت بالله
را غصه من بالله و کفر من بالجنت
و الصلوة و یومین بالله فتد
استمسک بالغرزة الوطف لا انفصا
لها و الله سميع عليم لکه عزبت
کند بسم الله الرحمن الرحيم من الله
و الى الله و لا حول و لا قوة الا
بالله التعلیل العظیم ما شاء الله ما
و ما لم یسأ لم یکن ان الله على کل

شیء قدير و ان الله قد احاط بکل
شیء علما بما لدیهم و احصی کل
شیء عندا عزبت عز من علیکم
یا معشر الجن و الشیاطین یا معشر
الاناس و اح بعزبت الله العزیز
الخبیر الختان المشان من الزمان
و بقوته و استعید بما استعنا
به بحسب علیه السلام و علی
جميع الانبیاء و مرمت یا ایها
البحر المملوق انک انکلت باسم الله

حَارَتْ يَدُ الْجُودِ لِيَمِ الْهُدَى
الرَّحِمُ اللَّهُ الدَّيْبُ وَفَعِ الشَّوْطُ
يَفِيَّ عَالِي تَرَوْهَا تَمَّ اسْتَوَى
عَلَى الْعَرْشِ وَمَا جَرَى يَدُ الْفَتَى
وَمَا جَرَى يَدُ الْبُحُورِ وَبِالْأَسْمِ
الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ مَوْسَى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ
عَلَيْهِ مِنْ رُوحِ الْفَتَى وَسِ وَبَعَثَ
مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَخِي نَبِيًّا
فَاجِبُونِي فَإِنْ لَمْ يَجِبُوا لِهَيْدِ
هَيْدِهِ عَزَّيْتَ فَاسْتَمِمْ مِنْ اللَّهِ

بَرَى مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ تَرَوْنَ مِنْ اللَّهِ يَا
وَقَدْ أَجَبُوا دَائِي إِلَيْهِ وَاهْدُوا
يَدَ يَقْضِ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَجِزَاءُ
مِنْ عَذَابِ آيَمٍ وَمَنْ لَا يَجِبُ فِي يَدِي
اللَّهُ فَلَيْسَ بِمُغْنِي فِي الْأَمْرِ خَيْرٌ لَيْسَ
لَهُ مِنْ دُونِهِ وَإِلَاءَ أَوْ لَقَاتِ
صَلَاةٍ بَيْنَيْنِ جَوْنًا يَدُ سَهْلٍ
خَوَانَهُ نَاسِدًا وَتَلْ يَا وَازِيدُ
وَسُورَةُ الْبُحُورِ لَدَا مَوْشَى
بِاسْتَدْخُولِهِ رَابِعًا مِنْ ذُنُوبِكُمْ

بیار آمد بزبان از وی پرسش
کند ناچه که است ز دست یا
دیو است یا پری و چه نام است
و چه کرد و چه مذهب دارد
و از کدام مقام است و اگر خواهی
که اول سال من بخواند و آنکه
عزیمت چها رسد یا در کیم بپایم
بزن بان فارسیه یا در پرس که جواب
بدهد و عزیمت رسد یا بخواند
عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ

اعوذ بکلمات الله التامات
علیها من سب ما خلق زره و بر
آموزی الی اللین خرجوا من فیهم
و هم الیوف حدار الموت فلتا
لهم الله موثقا تم احبنا تم انکلت
لن و فضل علی الناس و لکری کبر
التا سیر لعلهم عن عزیمت علیکم
یا عند علی الملک ذکر و بلا ستم
اللیه قد رت سلیمان ابی و د
علیما سلم علیکم و اللی به ستم

وَلَا يُعَذِّبُهُمُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَلَا
بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ وَلَا سَهْلٌ وَلَا جَبَلٌ
إِلَّا وَأَتَوْبِيهِ وَاجْتَبُوا قَدْ آمَنُوا
صَاحِبَكُمْ وَأَفْعَلُهُ إِذَا أَعْلَمَهُ
هَذِهِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ
الْعَمَلُ الْعَمَلُ الرَّجَاءُ الرَّجَاءُ طَرَفٌ
الْعَبْرِي أَوْ شُعَاعُ الشَّعْرِ أَوْ بَعْجُ
الْبَصَرِي إِنْ كُنْتُمْ مِنْ أَهْلِ التَّوْبَةِ
وَمِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ وَمِنْ أَهْلِ
الرَّبْوَةِ وَمِنْ أَهْلِ الْفُرْقَانِ

فَأَمَّا

فَأَجِبُوا بِي فَإِنْ لَمْ يَجِبُوا إِلَيَّ
عَرَبِيَّةً فَاسْتَعِمُّوا مِنَ اللَّهِ تَرَوْنَ
وَأَسْتَعِمُّوهُنَّ مِنْ اللَّهِ يَا قَوْمَنَا
اجْتَبُوا إِذِ اعْتَمَدْتُمْ عَلَى الْيَمِينِ
لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَبِخْرِكُمْ مِنْ عَذَابِ
الْأَسَمِ وَمَنْ لَا يَجِبُ دَائِي إِلَيْهِ فَلَيْسَ
بِعَجْرِي فِي الْأَرْضِ وَلَا كَيْسَ لَهُ مَرْجِعٌ
أَوْ لِيَا عَجْرِي فِي صَلَاتِي مُبِينٍ بَيْنَ
إِبْنِ عَجْرَانِ شَدَّ بَاوَاذَ أَيْدِي
وَأَحْوَالِ أَوَاوِي بَابِ بَسْمِ وَكُرٍ



هیچنان خاموش باشد حال
طاس بخواند و یار دار بهر طاس
کند و بر بخت بخت فتح اللسان
بخواند تا از بلند پس بفرشتا
تا پاسه آب از آن بکوشد و می
دیزد که تا از آید بفرشتان
خداستعالی عزبت فتح اللسان
عزبت علیکم جنتی الله الاحد
او اید المانع الاکبر الضربه
انصرت الله لم یلد و لم یولد

۲۰

۲۱

و لم یکن له کفرا احد ما احلب
لسانک الله الله انقل
کل یقین و امنوا حکمکم اول
سری و الیه ترجعون ففتحنا
ابواب السماء بما فی منیر و
جنتنا الارض غیوئا فلتغش
الما و علی ایز قد قدر معلنا
علی ذات الواسع و دیر حشرنا
فحننا علیهم و فحنت علیهم ابوا
انا فحننا الکت فحننا مبنا نصر

مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَكَبِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ
يَا مُجْتَمِدُ يَا عَلِيَّ خَيْرَ الْبَشَرِ إِذَا نَجَا
نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ نَحْنُ كَامٌ يَا حَبِيبُ يَا
اللّٰهُ عَلَيَّ سَائِلَتُكَ أَفْتَحْ لِي صَانِحَكُمْ
أَفْتَحْ يَا ذَا نِ اللّٰهِ جِوْنِ ابْنِ عَرَبِيَّتِ
بِحَوْلَانْدِ يَا ذَا زِلْزَلِنْدِ وَهَذَا هُوَ الْمَلَأُ
بِأَنْ تَمْلَأَ دُونَ بَنَانِ فَضِيحٌ بِكُوَيْلِ
كَيْشِ كَرْدِ دَارِ سُو كُنْدِ وَهَدِ وَسُو
إِنشَانِ ابْنِ سِتِ قَسْمِ سَابِنِ
أَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا الْأَرْضُ وَارِعُ

الْيَهُودِ يَا ذَا حَقِّ تَوْسِيَةِ مُوسَى
إِنْجِيلِ عَيْنِ الدَّيِّ انْتِزَلَتِ إِلَيْهِ
يَا يَانِيَّةَ وَاسْمَايَةَ وَبِكَلَامِي حَرْقًا
حَرْقًا أَهْيَا شَرَاهِيًّا إِذَا وَفِ
أَصْبَاؤُنَا وَتَ وَالْطُّورِ سَيْنَانَا
بِالَّذِي كُلُّهُ بِهِ أَخْرَجْتَ مِنْ هُنْدِ
الْبَدَنِ الضَّعِيفَةَ مِنْ غَيْرِ
بِحَبِيبِ يَا رَكَ اللّٰهُ فَبِدَا خُرُوجِ
أَخْرَجْ يَا ذَا نِ اللّٰهِ تَعَالَى فَسَمَرِ
أَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا حَبِيبُ نَصْرُ الْيَتِي



نَحْمَدُكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ الْمَلِكِ الْأَمِيرِ
يَحْيَى نَوَازِشَهُ مَوْلَانِي وَابْنِ عَلِيٍّ
مُرْتَبِعِ كُلِّ عِرَّةٍ فِي الْمَهْمَدِ صَدِيقًا
وَالْإِبْرَاهِيمِ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ
بِأَسْمَائِهِ وَكَلَّمَ بِهِ خَوْفًا بَعْدَ أَعْمَارٍ
بِالْإِسْقَافِ الرَّكْبِيِّ وَالْأَطْيَبِ
الْعَظِيمِ وَالْعَبِيدِ الطُّلُوعِ
كِتَابِ مَسْطُورٍ فِي رَقِيٍّ مَقْشُورٍ
أَخْرَجْتَ مِنْ هَذِهِ الْبَدَنِ هَذِهِ
الْأَسَاسَةَ فَمَرَّ أَنْ يَرَاكَ وَالْأَجَدُ

٢

مِنْ جَهَنَّمَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ
أَخْرَجَ أَخْرَجَ يَا ذِي الْإِلَهِ
تَعَالَى فَسَمَّ بِرَجْمِ أَقْسَمَتِ حَبِيبِ
الْأَرْدِ وَاجِ الْجَوْرِيسِ وَجَوْسِيَّةِ
وَبِحَبِّي اللَّهِ وَبِحَبِّي النَّوْرِ الْمُعْظَمِ
وَالْتِيَارِ وَالْظَّلِ وَالْخُرُورِ وَالْقَسَمِ
وَالْعِرَّةِ الْمُبِيرِ وَ عَلَى أَرْزُوقِ
دَيْرِ التَّكْوِينِ وَ أَخْرَجْتَ عَنْ هَذِهِ
الْبَدَنِ الصَّعْبَةَ فَمَرَّ أَنْ يَرَاكَ
يَا ذِي الْإِلَهِ الْأَحَدَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ

عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَوْدَاحُ الْمُسْلِمُونَ
وَالْمُسْلِمُونَ بِالْقَبِيلَةِ وَالْكَعْبَةِ
وَالْمَغَامِ وَالزَّمَنِمِ وَالْقُرَانِ
الْكَرِيمِ وَاللَّهِ لَقَسْمُ لَوْ تَعْلَمُونَ
عَظِيمٌ أَخْرَجَتْ عَنْ هَذِهِ كَلْبًا
الْتَصِيفَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ الْعَمَلِ
الْحَكْلِ الرَّجَا الرَّجَا حُجَّاجِ
يَا ذُنَّ لِلَّهِ نَعَالِي الْأَخْرَجِ ابْنِ
عَهْدِ هَذَا بِإِشَانِ جُونِ عَهْدِ
بِنَا زِي كَهْتَه شَدِيدًا رَيْبِي دِكِرِ

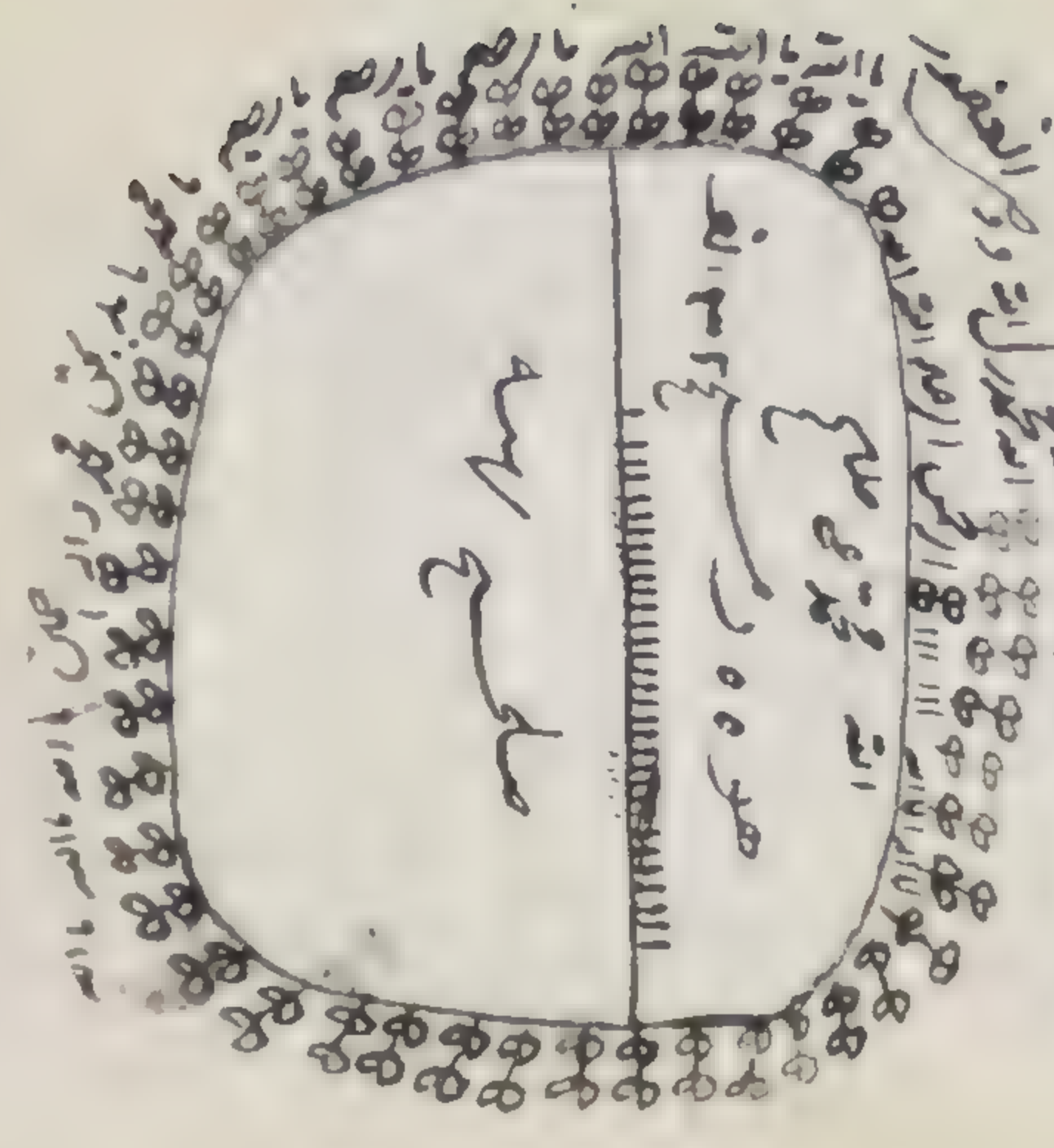
بِاسْمِهِ بَكُويد بَارْفَاحِ بَا زَكِيش
وَايِين كَرَا سَرِيدِ وَجَدَا وَسَوِ
كَرِيرُونِ اِي چِنَا كَرِ دِكِرِ بَارِ
بَارِ نِيَا يِي وَدِيرِ نَزْجَا يِي
وَجُونِ عَهْدِ وَفَوَلِ كَرِ دِي خَلَا
فَكِنِي وَكَرِهْمَا بَا زَكِشَا يِي بِنِ
حَلِجَرَانِ حَلَلَنَاتِ بِاسْمِ اللَّهِ الْبَقِي
خُلَا عِلَا زِي وَفِيحَتِ السَّمَاءِ
نَكَا نَتِ ابْوَا بَا حَلَلَنَاتِ هُوَا
دِرِ بِلُو لَا هُوَا هُوَا دِي قَلَا يِي

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ
 عَلَيَّ وَآلِيَّ اللهُ وَجُوْنُكُمْ عَلَيَّ
 بَكْرِي يَبْرِيْن شَوْيْ حَالِي يَكْر
 نَحْنِيْ شَا اِذَا بُوْدِيْ سَلْبِيْ شَاب كَه
 اَبْعَلْ وَشَكْرِيْ جُوْدِيْ زَنْجَل
 خُوْد اِيْدِيْ وَاللهُ اَعْلَمُ عَا نَحْنِيْ
 يَا اَبَا رِيْع يَا اِذَا حِيْدِيْ اَحْدِيْ
 صَدِيْ يَا اَللهُ يَا اَحْمَدِيْ يَا قِيَوْم
 يَا اِيْمَانِيْ يَا اَبْدِيْ يَا طَعْمُوْنِيْ يَا
 طُوْطِيْ يَا اَتَمَعْمُوْنِيْ يَا شَيْطَانِيْ

با

يَا شَيْطَانِيْ يَا مَعِيْدِيْ يَا قُوْنِيْ
 يَا صَالِحِيْ اِيْمَانِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ
 مِيْزَانِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ

اَصْحَابِيْ مَدِيْنَتِيْ
 رَايْتِيْ اَلْمَدِيْنَةَ



اَصْحَابِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ زَنْجِيْ

اَنْشُرِيْ مَدِيْنَتِيْ

ایمان من گشت تا بنابر غفر و زلوف

با یه بدیدت زیورنه اگر اعظمی سید

لطف المفقون من لا یحضر شیفت اموال و اهل

عاشق غفران یغفران بالشمع بالشمع فیه قلب

من علیک لکم منته شیت اولاد اولاد لکم نصیب

عاشق با غفران خبر "منی ادم غفران و منی چای غفران

و منی ابر (صیدان و منی مرگ لکها و منی غفران

رحمت است و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

ایمان من گشت

ایمان من گشت تا بنابر غفر و زلوف

با یه بدیدت زیورنه اگر اعظمی سید

لطف المفقون من لا یحضر شیفت اموال و اهل

عاشق غفران یغفران بالشمع بالشمع فیه قلب

من علیک لکم منته شیت اولاد اولاد لکم نصیب

عاشق با غفران خبر "منی ادم غفران و منی چای غفران

و منی ابر (صیدان و منی مرگ لکها و منی غفران

رحمت است و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

و منی غفران لکها و منی غفران و منی غفران

ایمان من گشت

شبهه هفتاد و نه از این زنده تا تر شود
این آیه را بر شریعت خلعت است با رو بر پیکر مله

و باز آنکه کلام حضرت سبته افراهم
و الله المستعان علی بعضی من الکبر افعلی

بقیه هر حجت از روی دوده و در حجت طاعت
در روز دوازدهم شنبه او شنبه و نور خضه و از بی عیون
بطریق از دشت سبته و شش تن در شش تن
سبته و کوه از آفتاب از کوه شش تن شش تن در دشت
که در روز یکشنبه در شش تن با کوه یا بی عیون
بکوهی که در آن کشته اند از روز در آن کوه لایق
و

و در وقت شش تن از این با یکدیگر شش تن
و نیک بر آن روز در خورشید با آن که در کرب
که در شش تن از آن با یکدیگر شش تن در دشت
و در شش تن سبته افراهم الی الله
و الله و کوه شش تن از خورشید با کوه در دشت
که در شش تن از کوه شش تن از کوه شش تن
فان شست علیه شش تن از کوه شش تن
المرکز الی الله و کوه شش تن از کوه شش تن
عزرا الموده فقال لهم الله سمعوا ثم ما تنطق
و فی الله حفظ فی الله

بجمله در لغت و در اول هر وقت می آید

از و ز فعل اول از کوه شد به بر لغت نیست

این بخ تبه صله صوب برو در بر لغت می آید

زایش در فرخ می آید و در لغت می آید

و افسق آید فعل از فعل بیان از فعل می آید

از فعل سرزدان از فعل بیان از فعل برستان

از فعل چین کرمان از فعل چین از کرمان از فعل

چین برتر از رخشان از فعل چین رخشان از

از فعل چین گیسو بیان از فعل چین رخشان

از فعل چین اگر از و از از فعل چین بیان از

از فعل چوب آب روان از فعل چوبان کمان بر تاجان

از یاد بران از یاد بران از یاد جیان بر برین

فصل پنجم در کلماتی که در لغت می آید و در لغت

می آید و در لغت می آید و در لغت می آید

باین ترتیب در لغت می آید و در لغت می آید

و در لغت می آید و در لغت می آید و در لغت می آید

و در لغت می آید و در لغت می آید و در لغت می آید

و در لغت می آید و در لغت می آید و در لغت می آید

و در لغت می آید و در لغت می آید و در لغت می آید

يَا كَلْبَانَا رَعْنُ يَا رَجْمُ يَا خَالِئُ
يَا رَبِّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُوَلِّي
هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ مُوَلَّى
هُوَ يَا مَنْ هُوَ مُوَلَّى هُوَ يَا
بَدِيءُ الْأَسْرَارِ هُوَ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ
هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْصُرُ مِنَ السَّمَوَاتِ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ هُوَ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ
إِلَّا هُوَ يَا مَنْ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْ
آخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ هُوَ

١٢٥

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ حَيُّ قَيُّوْمٌ
وَعِنْدَ الرُّوحِ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ يَا هُوَ مَنْ هُوَ هُوَ
وَلَا هُوَ إِلَّا هُوَ الْحَدُّ كَرِيمٌ
يَا هُوَ الْأَهْوَى يَا مَنْ هُوَ آسَرُهُ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوِي إِذَا أَرَادَ
شَيْئًا أَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ يَكُونُ
فَسِحْرَانِ الدِّبِ سَيِّدِ مَلَكُوتِ
خَلْقِ شَيْءٍ وَالْيَدِ تُرْجَعُونَ يَا هُوَ
يَا مَنْ هُوَ هُوَ وَالْأَهْوَى إِلَّا هُوَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاحِدٍ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ يَا إِلَهَ الْأَلَمَاتِ يَا أَفْصَحَ
يَا أَمَّحَ لِأَحْوَالٍ وَلَا مَوَدَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
وَالِهِ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

بِسْمِ

يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
يَا إِلَهَ الْأَلَمَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى
يَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ يَا اللَّهُ
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ يَا اللَّهُ الْمَلِكُ
الْمُهَيَّمُ الْحَمِيدُ يَا اللَّهُ الْحَمِيدُ
الْمُبْدِي يَا اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ
يَا اللَّهُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ يَا اللَّهُ
الْقَهَّارُ الْبَوَّاهُ يَا اللَّهُ الرَّزَّاقُ

الْعَزَائِبُ يَا اللَّهُ انْقِطَاعُ الْعِلْمِ
يَا اللَّهُ انْقِطَاعُ الْبَاطِلِ يَا اللَّهُ
الْحَافِظُ الرَّافِعُ يَا اللَّهُ الْمُجِيرُ
الْمُكَرِّمُ يَا اللَّهُ الْمُنْجِمُ وَالْبَصِيرُ
يَا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْعَدْلُ يَا اللَّهُ
الطَّيِّبُ الْحَبِيرُ يَا اللَّهُ الْخَلِيمُ
الْعَظِيمُ يَا اللَّهُ الْعَفْوُ الْكَفُّ
يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا اللَّهُ
الْحَسْبُ الْجَلِيلُ يَا اللَّهُ الْكَرِيمُ
الرَّقِيبُ يَا اللَّهُ الرَّاسِخُ الْحَكِيمُ

يا الله

يَا اللَّهُ الْوَدُّ وَالْجَبَدُ يَا اللَّهُ الْبَاقِي
الرَّاحِمُ يَا اللَّهُ الْخَفِيفُ الْمُنِيفُ
يَا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ يَا اللَّهُ شَدِيدُ
الْعَاقِبَاتِ يَا اللَّهُ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ
يَا اللَّهُ الرَّفِيعُ الدَّرَجَاتِ يَا اللَّهُ
وَلِيُّ الْحَسَنَاتِ يَا اللَّهُ عَظِيمُ
الْبَرَكَاتِ يَا اللَّهُ غَاثُ الْفِرَاقِ
الرَّحِيمُ يَا اللَّهُ رَافِعُ السَّيِّئَاتِ
يَا اللَّهُ مُعِطُ الْمَسْعُولَاتِ
سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ



اِحْفَظْنَا مَرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَاقْضِ خَاطِبَةَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
اللَّهُ خَيْرُ الْغَاثِ وَخَيْرُ يَا اللَّهُ خَيْرُ
النَّاصِرِينَ يَا اللَّهُ خَيْرُ الْخَالِكِينَ
يَا اللَّهُ خَيْرُ الْفَائِزِينَ يَا اللَّهُ
خَيْرُ الْوَارِثِينَ يَا اللَّهُ خَيْرُ
الْمُزِلِينَ يَا اللَّهُ خَيْرُ الْحَسِبَةِ
يَا اللَّهُ خَيْرُ الْوَارِثِينَ يَا اللَّهُ
اسْتَفْعِ الظَّالِمِينَ يَا اللَّهُ اسْتَفْعِ
النَّاصِرِينَ يَا اللَّهُ اسْتَفْعِ الْمُسْتَغِيثِينَ
يَا اللَّهُ

يَا اللَّهُ اسْتَفْعِ الظَّالِمِينَ يَا اللَّهُ
اسْتَفْعِ النَّاصِرِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ حَلِصْنَا مَرَاتِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَاقْضِ حَوَائِجَنَا يَا اللَّهُ
يَا رَبِّ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ
يَا رَبِّ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ يَا اللَّهُ ذُوقُوا الشَّرَّافَةَ
الْوَالِغَةَ يَا اللَّهُ ذُوقُوا الْمَيْتَةَ
الْمُسَابِقَةَ يَا اللَّهُ ذُوقُوا النِّعَمَةَ

الشَّاعِرُ يَا اللَّهَ وَالْمُحِبُّ
 أَبَا الْغَيْثِ يَا اللَّهَ وَالْمُؤَدِّ
 الدَّائِمِ يَا اللَّهَ وَالْمُدْرِي
 الْخَالِكِ يَا اللَّهَ وَالْمُجْتَبِ
 النَّاطِقِ يَا اللَّهَ وَالصَّغِيرِ
 الْغَالِيَةِ يَا اللَّهَ وَالْكَرِيمِ
 النَّظَّامِ يَا اللَّهَ وَالْقَوِيَّ
 الْمُسَيَّبِ يَا اللَّهَ وَمُجَانِكِ الْأَلِيَّةِ
 إِلَّا أَنْتَ إِحْفَظْنَا مِنْ أَمَانَتِ
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اللَّهُ يَا صَاحِبَ

يَا اللَّهُ يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْبُودٍ يَا اللَّهُ
يَا مُلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ يَا اللَّهُ سُبْحَانَكَ
يَا إِلَهَ الْآلِهَاتِ يَا رَبِّي يَا عَبْدَكَ
عِنْدَ سَفَرِي يَا رَجَائِي عِنْدَكَ
مُضْهِجِي يَا مَوْئِي عِنْدَكَ وَحْشِي
يَا نَاجِي عِنْدَ غُرْبَتِي يَا غَايِبِي
عِنْدَ ضَلَالَتِي يَا فَخْرِي عِنْدَكَ
كَرِيمِي يَا وَلِيَّ عَيْنِي وَخَشْيَتِي
يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا فَيْتَانِي
عِنْدَ اِفْتِنَانِي يَا مُلْجَأِي

عِندَكَ

عِنْدَ اضْطِرَارِي سُبْحَانَكَ
يَا إِلَهَ الْآلِهَاتِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا أَقْدَمِي يَا رَحْمَنِي يَا رَحْمَنِي
يَا رَحِيمِي يَا رَحِيمِي يَا رَحِيمِي يَا عَزِيزِي
يَا عَزِيزِي يَا عَزِيزِي يَا عَزِيزِي يَا لَافِظِي
يَا تَطْبِيعًا لِلْأَمْرِ يَا قَيُّوْمًا
لَا يَنَامُ يَا ذَا آيَاتٍ لَا يَعْوَدُ
يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا بَاقِيَ الْأَيَّامِ
يَا غَايِبًا لَا يَجْعَلُ يَا قَوِيًّا
لَا يَضْعَفُ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ

يَا رَبِّ الْجَمْدِ وَالْمَغَامِ يَا رَبِّ
الْمَسْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبِّ الزَّكَاةِ
وَالْمَغَامِ يَا رَبِّ التَّهْمَةِ الْحَرَامِ
يَا رَبِّ التَّوْبَةِ وَالْظُلَامِ يَا رَبِّ
الْجَنَّةِ وَالسَّلاَمِ يَا اللَّهُ هُوَ
أَحَدٌ يَا فَضِيلُ يَا اللَّهُ هُوَ
يَلْدُ يَا اللَّهُ هُوَ قَرُّ يَلْدُ
كَيْفَ يَا اللَّهُ هُوَ رَبُّ يَلْدُ وَيَلْدُ
يَا اللَّهُ هُوَ وَتَرْ يَلْدُ يَا اللَّهُ
هُوَ عَيْنُ يَلْدُ فَعَيْنُ يَا اللَّهُ هُوَ كَلَامُ

٢١

يَلْدُ عَدْلُ يَا اللَّهُ هُوَ مَوْجُودٌ يَلْدُ
مِثْلُ يَا اللَّهُ هُوَ مَوْصُوفٌ يَلْدُ
شَيْءٌ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كَنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ سُبْحَانَكَ
الْأَلِهُمَّ وَجْهِي وَتَبَارَكَ
اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا
إِلَهَ غَيْرُكَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي
وَاعْفِرْ ذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

وَالْمُسْلِمِينَ يَا رَبَّاهُ فُضِّحْ حَاجَتَهُ
بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِهِ أَجْمَعِينَ وَاجْعَلْنَا مِنْ
أَنْفَارِ بَنِي الرَّاحِمِينَ الثَّاجِبِينَ
وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ وَاجْعَلْنَا
مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
يَحْزَنُونَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ أَنْتَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ

عَالَمٌ

خَالِقٌ الْخَلَائِقِ وَبَصِيرٌ الْأَبْصَارِ
وَيَدِي لَا تَفْقِدُ وَصَادِقٌ لَا
يَكْذِبُ وَفَاهٍ لَا تَقْلُبُ وَتَبَّ
لَا يَجِدُ وَفَائِدٌ لَا تَضْأَرُ
غَاوٍ لَا تَضِلُّ وَصَدِّقٌ لَا تُظِلُّ
وَذِيُّومٌ لَا تَنْتَامُ وَبَجِيبٌ لَا تَنْفُكُ
وَجَبَّارٌ لَا تُنْكَرُ عَلَيْهِمْ لَأَنَامُ
وَنَائِمٌ لَا تَعْلَمُ وَتَوَكَّلِي تَضَعُ
وَعَظِيمٌ لَا تُؤْصِفُ وَوَرِيثُ
الْخَلَائِقِ وَعَالِمُ الْأَعْيُنِ



وَعَبَّيْ لَا تَقْتَصِرْ وَكَبِّرْ لَا تَقْتَصِرْ
وَحَكِّمْ لَا تَجَورُوا وَصَبِّحْ لَا تَقْتَصِرْ
وَمَعْرُوفٌ لَا تُنْكِرْ وَوَكِيلٌ لَا
وَعَالِيٌ لَا تَعْلَبُ وَوَيْفٌ لَا
تَسْتَبِي وَوَهَّابٌ لَا تَمْلِكُ
وَسَبِّحْ لَا تَجْعَلْ وَجُودٌ لَا يَفْجُرْ
وَعَزِيزٌ لَا يَنْدَرُكَ وَبَاقِيٌ لَا يَنْجَلُ
وَالْوَاحِدُ لَا تَشْتَبِيهِ وَصَفِيٌّ
لَا تُشَاوِرْهُ يَا كَرِيمُ يَا جَوَادُ يَا مُنْكَرُ
يَا وَاسِيٌ يَا حَبِيبُ يَا مُتَعَالٍ يَا جَلِيلُ

الجلد

يَا مُجَلِّدُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ
يَا مُهَيِّمُ يَا حَبِيبُ يَا مُجَنَّبُ
يَا طَاهِرُ يَا طَهْرُ يَا مُطَهِّرُ يَا فَاضِلُ
يَا فَائِزُ يَا مُفْتَحُ يَا عَزِيزُ يَا غَنِيُّ
يَا مُنْعِمُ يَا مُرِنَّا يَا مُنْجِي كُلِّ
عَمِيٍّ يَا تَسْبِيحُ يَا تَعَالِي
يَا مُخَلِّصُ يَا حَوَالِي يَا مُغْنِي
يَا عَزِيزُ يَا تَعَالِي يَا مُؤْتِي
يَا مُغْنِي يَا تَعَالِي يَا مُؤْتِي
يَا تَعَالِي يَا مُغْنِي يَا مُؤْتِي

إِلَهِنا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ
يَا مَنْ آتَيْتَ الْحَيَاةَ أَوْ بَعْدَ الْمَوْتِ
وَصِفَاتُكَ الْعَمَلُ وَتَعْيُنُكَ إِلَهِيَّةُ
لَا تُخْضَعُ وَأَسْئَلُكَ يَا كَرِيمُ
أَنَا يَاكَ عَمَلِي وَأَجْرِي وَأَنْ
أَرْفِقْ بِي مِنْكَ وَسَبِيلِي وَجُودِي
مِنْكَ تَوْأَمِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْخَرْقِي
إِجَابَةً وَتَقَالُكَ بِاسْمِكَ الْخَرْقِي
الْمَكْنُونِ الْكَاسِي الْإِلَهِ الْعَظِيمِ
الْعَظِيمِ الْقَبِيحِ الْمُتَبَيَّنِ وَتَرْضَاهُ

عَلَى

عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْجُدُ لَكَ دَعَا
وَحَقُّ عَمَلِكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَمْعَكَ
وَيُكَلِّمُ سَمْعُكَ فَمَوْلَاكَ فِي التَّوَسُّلِ
وَالْإِجْبَالِ وَالرَّبُّ بَوْرِيَّةُ الصُّفَاةِ
الْعَظِيمِ وَيُكَلِّمُ سَمْعُكَ فَمَوْلَاكَ عَمَلُهُ
أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ تَمْنَعُ لِي
أَحَدًا أَوْ يُكَلِّمُ سَمْعُكَ دَعَاكَ بِهِ
حَمْدُهُ عَزَمَتِكَ وَمَوْلَاكَ عَمَلِكَ
وَأَصْفِيَا تِلْكَ مِنْ جَعْلِكَ وَ
يَحْيِ السَّالِطِينَ عَمَلِكَ وَالْأَعْيُنَ

إِلَيْكَ وَالْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَالْمُتَعَوِّذِينَ
إِلَيْكَ وَتَجِيءُ كُلِّي عَبْدًا مُتَعَبِلًا
مُتَعَرِّجًا لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ
سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَدْعُوكَ ذُنُوبًا
مَنْ قَدْ اسْتَعَاذْتُ فَاقْنُدْ وَ
عَظَمْتُ جَرْمِيكَ وَاسْرَوْتُ عَلَى
الْمَلَكَةِ وَصَعَمْتُ قَوْلًا وَهَوًى
بَيْنَ لَيْلِي عَمِينَ عَلَيْهِ وَلَا تَجِدْ
لِي فَاقْنِدْ كاشِفًا وَلَا تَدِينْهُ
غَاوًا عَيْرُكَ وَلَا مُفِيئًا سِوَاكَ

مَرَّتْ

مَرَّتْ إِلَيْكَ مُعْتَرٍ فَاعِزٍّ
مُسْتَكْفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ
رَسَا لَكَ بِأَتَاتِ أَنْتَ اللَّهُ إِلَهِي
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالسَّمَاوَاتِ أَنْتَ الْغَنِيُّ
الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَالْكَافِرُ
الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْمَلِكُ وَالْكَافِرُ
الْمَلُوكُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَالْكَافِرُ

إِلَيْكَ وَالْمُتَعَذِّرِينَ بَكَ وَالْمُسْتَغِيرَ



الَّذِينَ لَبِلُوا وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا
الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا
الْمُتَّكِلُ وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا
الْمُتَّكِلُ وَأَنْتَ الْحَسِينُ وَأَنَا
الْمُسْتَعِيرُ وَأَنْتَ الْعَفُورُ وَأَنَا
الْمُدْنِي وَأَنْتَ الرَّحِيمُ
وَأَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ
وَأَنَا الْخَالِقُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ
وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْمُعِظُ
وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الْهَادِي

١٥١

وَأَنَا الْخَائِفُ وَأَنْتَ الرَّازِقُ
وَأَنَا الْمَرْذُوقُ وَأَنْتَ الْحَقُّ
مَنْ شَكَّكَتُ إِلَيْهِ فَاسْتَفْتِ
بِهِ وَجَبُّهُ لِأَنْتُمْ مِنْ قَبْلِ
قَدْ عَفَرْتَ لَهُ وَأَنْتُمْ مِنْ مَسِيئَةٍ
قَدْ بَخَّاءَ وَأَنْتَ عَنْهُ فَغَفِرْ
لِي وَبَخَّاءَ وَزَعِيظِي وَأَرْحَمِي
وَعَا فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل فی علاج طاعون و سایر آن

زنان بپایان دهان، بصد مانی و سایر

باز بکوبید و حقیر و غیره بر مکه و غیره از این جهت

از عالم الغیب و بیکه در درم بود و در

میراثه وانی بیکه در درم بود و در

نما بیکه در درم بود و در کسب و در

صدیق و در درم بود و در کسب و در

بعضی بر سر راه و سایر بیکه در درم بود

که در آب و در بیکه در درم بود و در

نمایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

خسته و در بیکه در درم بود و در

و بیکه در درم بود و در بیکه در درم بود

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

بپایان و در بیکه در درم بود و در

[illegible]

一

فِي الْهَيْبَةِ وَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّكَ لَآتِيَةٌ
وَمَا هِيَ قَتَكُمُورَانِ لِلْإِنْسَانِ
الْمُخْتَلِفَةِ بِجَانِبَاتٍ وَلَمْ تَعْلَمِينَ
إِذْ هَبَسْتِ الْأَشْيَاءَ عَلَى
الْعَرَائِقِ الْمُخْتَلِفَاتِ وَالْأَحْزَانِ
حَرْفَةِ الْأَوْطَانِ حُجُبِ الْعَبْوَةِ
إِلَيْكَ فَاعْتِنْدِي مِنْكَ مُحَمَّدًا
فِي عَظَمَتِكَ لَا يَبْلُغَنَّ بَعْدَهُ

[illegible]

وَكَيْفَ تَسْتَغْفِرُ عَنْ ذُنُوبِ غَدٍ
لَكَ ذَاهِبٌ وَاجِبٌ وَأَصْلٌ
وَتَأْتِي بِكَ قَلْبَكَ لَكَ مَوَازٍ
وَأَنْتُمْ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ
بِأُولَئِكَ التَّسْبِيحِ وَالتَّقْدِيرِ
لَكَ خَالِصًا لِيُكَرِّمَكَ وَخُصًّا
لَكَ بِنَا صَمِغِ التَّوْحِيدِ وَافْخَرِ
التَّعَزُّدِ وَافْخَرِ صِرَاحِ التَّعَبُّدِ
بِطَوْلِ التَّعَبُّدِ وَالتَّعَبُّدِ
فَمَنْ تَغْفِرُ فِي قُدْرَتِكَ وَلَمْ تَغْفِرْ

وَلَمْ تَغْفِرْ لِي كَافِرًا وَفَضْلَكَ عَلَيَّ
مَتَوَالٍ وَتَغْفِرْ عَنِّي مُصِغَةً
وَأَبَازِيكَ لَدَيَّ مُتَطَاهِرَةً
لَمْ تَخْفِرْ جَوَارِي وَصَدَقْتَ
رَجَائِي وَصَاحَبْتَ اسْفَارِي
وَإِكْرَمْتَ اخْتِصَارِي وَحَقَّقْتَ
أَمَانِي وَتَقَبَّلْتَ اقْرَابِي وَ
عَافَيْتَ أَوْصِيَائِي وَتَحَصَّنْتَ
مُنْفَعِي وَمَتَوَالِي وَلَمْ تَنْقُصْ لِي
إِلَّا عِلَالَةً وَتَرَهَيْتَ مِنْ زَمَانِي

الْمَنَامَ وَأَنَا عَتَبْتُكَ يَا مَوْلَايَ
مِنْ جَمِيعِ الصَّارِ وَالْمَصَارِي وَ
الْمَصَائِبِ وَالْمَغَائِبِ وَاللَّوَارِمِ
وَاللَّوَارِزِبِ وَالْمُتَوَدِّعِ الَّتِي قَدْ
سَارَتْ بَيْنِي فِيهَا الْغُرُورُ بِمَا بَيْنَ
بَيْنَا رِيضًا صَنَافَ الْبَلَاءِ وَ
ضُرُوبِ جَهْدِ الْقَضَايَةِ لَا أَكْزُرُ
مِثْلَ الْإِلَاجِ الْجَمِيلِ وَالْأَرْمَنِ
إِلَّا التَّفَضُّلَ وَالنَّطْلَ بِالْخَيْرِ
لِي شَاوِلٌ وَصُنْعَتِي لِي كَامِلٌ

نَسْتَأْذِنُكَ عَلَيَّكُمْ مِنْ بَعْدِ الْعَمِّ
أَمْنَةً نَعْمًا سَائِغَةً طَائِفَةً
مِنْكُمْ وَطَائِفَةً قَدْ أَهَمَّتْكُمْ
أَنْفُسُكُمْ بِطَلُوتٍ بِاللَّهِ عَزَّ
أَجْرُ ظَنِّ الْإِهْلَاءِ يَقُولُونَ
هَلْ لَنَا مِنْ الْأَمْرِ مِرْيَقَةٌ قُلْ
إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخَفِّفُونَ
فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ
لَكَ يَتَوَلَّوْنَ لَوَاحِشَ لَنَا مِنْ
الْأَمْرِ يَتَّبِعُونَ مَا قُلْنَا هُنَا

قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ
الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى
مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ
مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُبَيِّنَ
مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ إِنَّكَ فِي خَلْقِ لِسْمِكَ
وَالْأَرْحَنِ وَالْخِيَارِ فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي
الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
فِي مَآثِرِهِمْ وَتَعُوذُوا بِهِ مِنْ جُزُئِهِمْ

وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَكِ فِي
الْأَرْحَنِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ
هَذَا إِلَّا بِالْإِسْجَانِ إِنَّكَ فَعَنَّا
عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ فَعَنَّا
نَدْخِلَ النَّارَ فَفَعَدْ أَخْرَجْنَاهُ
وَمَا لَظَالِمِينَ مِنْ أَتْمَانٍ رَبَّنَا
إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَصْنُوا لِلرَّبِّ كَمَ
رًا مِمَّا رَتَبْنَا وَأَنزَلْنَا فِي الْقُرْآنِ
وَكُفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّ

مَعَ الْأَكْبَارِ رَبَّنَا وَإِنَّا مَا
وَعَدْنَا عَلَىٰ وُضْعِكَ وَلَا
مُخْرِنَا يَوْمَ الْفَيْزِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ
الْعَهْدَ اللَّهُمَّ بِكَ بَصُولُ
النَّاسِ كُلِّ وَبَعْدَ رَيْكَ بَصُولُ
الظَّالِمِ وَالْأَحْوَالُ كُلِّ نَذِيرُ
حَوْلِ الْإِلَهِ وَالْأَفْوَرةُ
يَتَنَزَّلُ بِهَا الْأَفْوَرةُ الْإِلَهِ
بِصْفَتِكَ مِثْلُكَ وَجْهِكَ
مِنْ بَرِّيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ صَلَّى

الله

الله مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَالْإِلَهِ وَبَعْدَ رَيْكَ بَصُولُ
الْيَوْمِ وَصَفَتِكَ وَارْتَفَعَتْ جَبَرَتُكَ
وَدَيْنُكَ وَاقْضِ لِي فِي مَقْصَرِي قَائِلُ
بِحُسْنِ الْوَقَايَةِ وَبِالْوُجُوحِ الْمَجْتَمِعَةِ
وَالظُّلَمِ بِالْأَلَمِيَّةِ وَكُنَّا بِكَ
إِطَاعِيَّةَ الْمُتَعَبِّينَ وَكُلِّ نَذِيرُ
نَذِيرُ لِي إِلَىٰ أَرْبَعَةِ أَكْوَافِ
لِي فِي جَنَّةٍ وَحَصْرٍ مِنْ كُلِّ دَلِيلِ
وَنَفْعَةٍ وَابْدِ لِي فِيهِ مِنَ الْمَنَافِعِ
إِنَّمَا وَهِيَ الْعَوَائِدُ فِيهِ لِي

لَا يَصْدَرُ فِي صَاحِبِ عَيْنِ الْإِنْسَانِ وَلَا
يَحِلُّ أَيْ فِي طَائِفَةٍ مِنْ أَمْرِ الْعَالَمِ
أَنْ تَكُونَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَلَا مُوَدِّ
إِلَّا أَنْ تَصْبِرَ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ
وَهَذَا السَّمْعُ الْبَصِيرُ لِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَهْلَ
السَّجَرِ وَالْوَسْوَاسِ وَأَعْتَصِمُوا
بِلَا يَا اللَّهُ بِحَقِّ الْخَيْرِ وَالْإِلَهِ
بِحَقِّ كَلِمَةٍ مَهْمٌ كَلِمَةٌ يَا جَوْشَنَ
جَوْشَنَ بِحَقِّ مَهْمٍ مَهْمٌ كَلِمَةٌ كَلِمَةٌ
جَوْشَنَ بِحَقِّ مَهْمٍ مَهْمٌ كَلِمَةٌ كَلِمَةٌ

جَوْشَنَ بِحَقِّ مَهْمٍ مَهْمٌ كَلِمَةٌ كَلِمَةٌ
مَهْمٌ كَلِمَةٌ مَهْمٌ كَلِمَةٌ كَلِمَةٌ
إِنِّي رَجَرٌ هَبْهُوَ عَطْفَانِي
أَرْجُو أَنْجَائِي وَبِحَقِّ أَدَمَ وَفَرْجِ
وَأَعْتَصِمُوا بِلَا مِنْ مِيرَاجِي
وَالْإِلَهِيَّةِ الْأَهْمِيَّةِ وَكَلِمَةٍ
وَالْجَنُودِ وَالْإِنْبَاءِ وَكَلِمَةٍ
أَفِيَّةٍ وَغَاهِيَّةٍ وَأَعْتَصِمُوا بِلَا
مِنْ سِرِّ كُلِّ بَلَاءٍ بِحَقِّ دَانِيَالِ
وَبِحَقِّ أَنِّي أَنِّي وَأَسْرِيَّةٍ أَسْرِيَّةٍ

وَنُورٍ سَاطِعٍ وَجَنَّةٍ هَيَّا سُرَاهِيَا
اَصْنَاوُثٍ وَبِعَظَمَتِكَ يَا اَللهُ
يَا اَللهُ يَا اَللهُ اَعْظُمُ مَوْلَاكَ
وَالْاَفَانِي وَالْعَاهِدِ بِجَوْشِ
مَوْلَانِي وَعَلِيٍّ وَجَنَّةٍ دَاوُدَ
وَذِكْرِيَا وَجِبْرِائِيلَ وَيَحْيَى
وَجَنَّةٍ اِيْمَرٍ لَيْسَ وَشَيْبَةَ وَجَنَّةٍ
فَخَلِّ خَاتِمَ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ تَوَكَّلْتُ

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
لَا وَلاَ هَالِكٌ وَاعْتَصِمْتُ بِكَ
مِنْ سُرَّاتِ الْيَمِينِ وَالْاَيْمَنِ قَرِيبَا
السَّيِّغَةِ وَالسَّجْبَةِ دُعَايِي يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ اَنْفُسِي يَا مَنْ لَيْسَ
كَفَيْلُهُ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
وَحَيِّ اَللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ
الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ
كَفَيْلُهُ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ
أُمِّ بْنِ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَأَنَا عَبْدُكَ عَبْدُكَ عَبْدُكَ وَكَأَنَّكَ
فَعْنِي وَاعْتَرَفْتَ بِكَ يَا مُسْتَعِينُ
وَأَعِزَّنِي ذُنُوبِي فَإِنَّكَ لَا تَغْفِرُ
إِلَّا لِلْمُتَوَّبِينَ يَا غَفُورُ يَا شَكُورُ
يَا عَلِيمُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ وَأَنْتَ الْمَجُودُ وَأَنْتَ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ يَا مُلْكُ مَا لَا خَصَمَ لَكَ

يَا مِنْ مَوْاهِبِ الرَّقَائِبِ وَأَهْلِكَ
وَأَوْصَالِكَ إِلَهِي مِنْ مَوْاهِبِ
الْعَسَائِفِ وَأَرْبَعِينَ بِمَوْاهِبِ
وَبَوَائِبِي يَا مِنْ مَوْاهِبِ الْعَسَائِفِ
وَأَرْبَعِينَ بِمَوْاهِبِ الْوَالِدِ
إِلَهِي وَأَحْسَنْتَ إِلَهِي مِنْ مَوْاهِبِ
الْبَلَاءِ عَنِّي وَالْعَوْنُ لِي وَ
الْإِجَابَةُ لِي يَا مَنْ جَاءَكَ حَاجَاتُ
الْعِبَادِ وَأَنْجَاكَ مِنْ مَوْاهِبِ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَوْاهِبِ

وَعَيْنَ رَجُوتَ رَاجِيًا فَجُتًا
فِي الْمَوَاطِنِ كُلُّهَا لِي جَارًا وَصَحَابًا
خَفِيًّا بَأْرًا وَفِي الْأَمْوَالِ نَاصِرًا
وَنَاصِرًا وَلِلْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ
غَاوِرًا وَلِلْعُيُوبِ سَالِمًا لَمْ
أَعِدْهُمْ أَضْلَالَكَ عَنِّي عَوْنَكَ
وَبَرَكَ وَخَيْرَكَ لِي طَرَفَةً
عَيْنٍ مِنْهُ أَنْزِلْنِي رَاكِبًا لِحُجَّتِي
وَالْفِكْرِ وَالْإِعْيَادِ لِمُنِيرَةٍ
فَمَا قَدِمَ إِلَيْكَ لِلدَّارِ الْقَرَارِ

المقام

فِي عَجَلٍ جَبَرْتُكَ ارْتَفَعَتْ
عَصِيْفَتِي لِحُلُوفَتَيْنِ صَفَاتِ
فُتْرَتِكَ وَ عَلَى عَن ذِكْرِ الدَّلَالَةِ
كَيْبَرِيَا وَ عَظَمَتِكَ فَلَا مَنَقِصَ
مَا ارْتَدَتْ أَنْ يَزِيدَ مَا دَوْلَا بَرَا
وَمَا ارْتَدَتْ أَنْ يَنْتَعِصِرَ وَلَا
فِيئْدُ شَهِيدَكَ حَبْرَ قَطْرَةٍ
الْخَلْقِ وَلَا يُدْ حَضَرَكَ حَبْرَ
بَرَعَاتِ التَّغْوِيْسِ كَلَامِ الْأَلْسِنِ
عَنْ تَقْسِيرِ صِفَتِكَ وَالْحُسْنِ فِي

اعفوني عن كنهه معصيتك يا رب
وكيف بوصف كنهه صفتك
يا رب وانت الله الملك الجليل
المنور واللاه لم تزل اري
ابديا مسديا دائما في القلوب
ومد لك لاشربك لك ليس
فيها احد غيرك ولم يكن لها
اله سواك جارك في بحار
سلكوك عميقا مناهيب
التي تكبر وتراضعت المثلوك

هو

حييتك وعن الوجوه بدلة
الاستيلاء لغيرتك والنفاد
كل ينجي ليله ونك واستسلم
كل ينجي ليله ونك وضعفت
الرفاب وكل قدون ذلك مجس
اللعان وذلك هذا لك التي
في ضلبي الصفا من
تفكر في ذلك رجع طرفة اليه
بسيروا وعقله بهمونا ونفكر
في حيا السرا اللهم لك الحمد

حَمْدًا كَبِيرًا مُتَوَالِيًا مُتَوَالِيًا كَرِيمًا
مُسْتَعْمَلًا مُسْتَعْمَلًا بِدَوَامِ الْقَدَرِ
إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ
وَيَتَضَاعَفُ وَلَا يَبِيدُ عَذْرُ
مَقْشُورِي فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمَرِي
فِي الْعَالَمِ وَلَا مُنْتَقِصِي فِي الْعُرْفِ
قُلْتُ الْحَمْدُ عَلَى حِمَاؤِكَ الْيَوْمَ
لَا تَخْشَى فِي السَّكَلِ إِلَّا أَدْبَرَ
وَأَتَبَّحُ إِذَا السَّمَاءُ فِي الْبَرِّ
وَالْبَحَارِ وَالْغُدْقِ وَالْأَصَالِ

وَأَبْجِ

وَالْعَيْشِ وَالْإِحْجَارِ وَالظُّلُمِ
وَالْأَسْطَارِ وَبِ كُلِّ جُرْعَةٍ مِنْ
اجْتِمَاعِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاللَّهْمِ
بِقُوِّهِمْ قَدْ حَضَرْتَنِي الْخَلْقُ
وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ وَالْأَيُّ الْعَصَا
قُلْتُ أَبْرَحَ مِنْكَ فِي سُبُوتِ نَعَائِكَ
وَتَتَابَعُ الْأَلْيَاتِ تَحْرُوسًا لَكَ
فِي الرَّيِّ وَالْإِشْيَاعِ مَحْمُودًا
لَكَ فِي الْمَغْفِرَةِ وَالْإِفْخَاعِ عَيْنًا لَمْ
يَكْلَمْنِي قَوْلَ طَائِفَةٍ وَأَمَّ بَرَصَ

عَنِ الْإِلَاطَاعِيَةِ قَالَتْ أَمَّا اللَّهُ لَا
اللَّهُ إِلَّا إِلَٰهٌ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِيبْ
وَلَا تَغِيبْ عَنْكَ وَغَايِبٌ
وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَائِفٌ وَلَنْ
تُضِلَّ عَنْكَ فِي ظِلِّ الْخَفِيَّاتِ
مُنَآئِلَ آيَاتِكَ إِذَا أَرَدْتَ
شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَمْ يَكُنْ مَكْرُومٌ
فَسُبْحَانَ اللَّهِ بِيَدَيْكَ مَلَكُوتُ
كُلِّ شَيْءٍ وَالْيَدُ نَزْجُوتُ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْتَغْنِيكَ قَالَتْ الْحَمْدُ مِثْلُهَا

مَرْ

جَدُّكَ بِهِنْسِكَ وَجَدُّكَ بِهِنْسِكَ
الْحَامِدُونَ وَجَدُّكَ بِهِنْسِكَ
وَكَبَّرَكَ بِهِنْسِكَ وَهَلْكَ
الْمُهْلِكُونَ وَهَلْكَ بِهِنْسِكَ
وَأَعْطَاكَ بِهِنْسِكَ الْمُعْطُونَ وَ
وَجَدُّكَ بِهِنْسِكَ الْمُتَجِدُونَ وَهَلْكَ
يَكُونُ لَكَ مِثْلِي وَجَدُّكَ بِهِنْسِكَ
طَرَفَةً عَيْنِي وَأَقْلَامِي ذَلِكَ
مِثْلُ مَا جَدَّ جَمِيعُ الْخَامِدُونَ
وَتَوْجِدُ أَصْنَانِي الْمُتَجِدُونَ

وَالْمُخْلِصِينَ وَتَقْدِيرِ الْجَنَانِ
الْعَارِفِينَ وَشَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّينَ
وَالْمُصَلِّينَ وَالْمُسَجِّدِينَ وَفِي
مَا أُنْتَبِهَ بِهِ عَالِمٌ عَارِفٌ وَفَوْضٌ
وَمُحِبُّونٌ وَمُحِبُّونٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ
كَلَامٌ مِنْ أَحِبُّونَا يَا وَالدَّيْنِ
أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي بَرَكَةٍ مَا أَنْطَقْتِ
بِهِ مِنْ حَمْدِكَ يَا أَبْصَرَ طَائِفَةً
بِهِ مِنْ جَفَّتْ وَأَعْلَمَ مَا وَقَدْ
عَلَى شُكْرِكَ أَسْتَغْنِي بِالتَّوَكُّلِ
فَلَا

فَضْلًا وَطَوْلًا وَمَرْيَةً يَا تَنَكَّرَ
حَقًّا وَعَدًّا لَا وَوَعْدًا نَبِيَّ عَلَيْهِ
اِغْنَاءًا وَمَرْيَةً وَأَعْطَيْتَنِي بِهِ
مِنْ زُفَرٍ وَارِيحًا وَارْحَامًا
وَرِضَاءًا وَسَأَلْتُكَ مِنْهُ شُكْرًا
بِسَبْرٍ صَغِيرٍ أَلْزَمْتَنِي وَعَاقِبَتِي
مِنْ جَهْدٍ بَلَدِي وَلَمْ تَسْلِمْنِي لِنَفْسِي
فَصَارَ لَكَ وَبَلَدِي لَكَ وَجَعَلْتَ
مَلِيصِي الْعَاقِبَةَ وَالْوَلِيَّةَ
الْبَسْطَةَ وَالرَّجَاءَ وَسَوَّيْتَ

أَوْ زَعَمِي شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ
فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ
الْمُبْدِي وَالْمَرْفِيعُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ الرَّحِيمُ الْكَرِيمُ الْبَاسِيطُ الْمُدِيعُ
وَلَا عَنْ مَضَاهِيكَ مَخْتَصِمٌ وَفَهْدُ
أَنْتَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ غَالِمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةُ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ الْمُنْعَلِ
أَلَهُمْ إِلَهِي إِنَّكَ الْبَاقِي فِي

الأم

الْأَمْرِ وَالْعَظِيمُ عَلَى الرَّسْمِ
وَالشَّكْرِ عَلَى نِعَمَاتِكَ وَإِنَّكَ
مِنْ كُلِّ جَبَرٍ تَعْلَمُ وَالْأَعْلَمُ وَ
أَعْلَمُ مِنْ بَيْتٍ مِنْ مَقَرٍّ مَا تَعْلَمُ وَ
وَأَسْتَفْهِمُكَ لَا تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَأَعْلَمُ
بَيْتٍ مِنْ سِرِّ جَابِيٍّ وَبُحْرِ كُلِّ بَابٍ
وَحَسْبُ كُلِّ حَاسِدٍ وَكَفَى كُلِّ
مَأْكُورٍ وَكَفَى كُلِّ مَائِدٍ وَظِلِّ كُلِّ
ظَالِمٍ وَسُحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَغَدِيرِ

كُلِّمْنَا دِيْرًا وَشَافَتْ كُلُّ مَنَّا شَيْعَتَكَ
أَصُولًا عَلَى الْأَعْدَاءِ وَأَيَّامَكَ
أَرْجُوًّا وَلَا يَمُوتُ إِلَّا حَيًّا وَ
الْمُرْتَانِيَّةَ فَلَمَّا لَحِقَ الْعَدُوُّ عَلَى مَسَا
اسْتَطْبَعَ إِخْصَاءَهُ وَ لَا
تَعْدِيدَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَصَلِّ
وَعَوِّ اِرْبِيْ دِيْرَكَ وَ الْوَرْدَانِ
مَنَا وَ لَيْسَ بِهِ مِنْ أَرْفَادِكَ
فَاتَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الرَّبُّ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ الْفَائِزُ فِي الْخَلْقِ حَيْدُكَ

٢٥

الْبَاسِطُ بِالْجَوْدِ يَدُكَ لَا تَضِلُّهَا
فِي حِكْمَتِكَ وَالْمُنْشَارُ فِي سُلْطَانِكَ
وَمُنْجِيكَ وَاسْمُكَ تَعَالَى مِنْ
الْأَنَامِ مَا شَفَاكَ وَ لَا يَمْلِكُكَ
مِنْكَ إِلَّا مَا تَنْبِذَ اللَّهُ أَمْرَكَ
أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُنْضِلُ الْفَائِزُ
الظَاهِرُ الْمُتَعَدِّ وَالْقُدُّوسُ
فِي نَوْرِ الْقُدْرَةِ قَدْ بَسَّ بِالْجَدِّ
وَالْعِزِّ وَالْعِلَّةِ وَ تَأْتَرَتْ
وَتَعْطَرَتْ بِالْعَطِيرِ وَالْكَرِيمُ بِالْإِي

وَتَقْتَبِيتَ بِالنُّورِ وَالضُّمَبَاتِ
تَجَلَّيْتَ بِالْمُهَابَةِ وَالْبَهَائِ
اللَّهُمَّ لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ وَ
الْمُسْطَانُ الشَّامِحُ وَالْمَلَكُ
الْبَازِيحُ وَالْجُودُ الْوَاسِعُ وَالْقُدْرَةُ
الْكَامِلَةُ وَالْحِكْمَةُ الْبَالِيَةُ
قُلْتُ اتَّخَذَ عَلَى مَا جَعَلَنِي مِنْ
عِلْمٍ صَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْهَيْوَةُ
وَهُوَ أَفْضَلُ نَبِيٍّ أَدَامَ اللَّهُ رُحْبَ
كَرَمَتِهِمْ وَجَلَّتْهُمْ فِي بَرٍّ وَبَحْرٍ

وَرَزَقْتَهُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْتَهُمْ
عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَهُمْ مِنْ أَهْلِهَا
تَفَضَّلْتَ وَخَلَقْتَنِي سَبْعًا
بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا سَامِيًّا مُعَانًا
وَلَمْ تَشْعَلْنِي بِمُقْصَانٍ فِي بَدَنِي
وَلَمْ تَمْنَعْنِي كِرَامَاتٍ إِنَاءً
وَحَسْرَ جَنِينِكَ وَفَضْلَ غَنِينِي
مُنَايَحَكَ لَدَيْكَ وَغَاءَ لَيْعِي
أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي أَوْسَعْتَ عَلَيَّ
فِي الدُّنْيَا وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ

مِنْ خَلْقِكَ فَضْفِ ارْدَجْعَلْنِي
سَبِيحًا دَمِجْ اِيَّا نِيكَ وَعَقْدًا
يَعْتَمِدُ اِيَّا نِيكَ وَبَصَرًا يَرِنُ
فِي مَرَاتِيكَ وَفَوَارًا يَغِيرُفُ
عَظَمَتِيكَ وَقَلْبًا يَعْتَمِدُ
تَوْجِيدَكَ فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَكِي
حَامِدٌ وَلَا تَنْفَيْسُ شَاكِرَةٌ
وَبِحَقِّكَ شَاهِدَةٌ فَإِنَّكَ
حَيٌّ مَبْلُغٌ حَيٌّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ
حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ لَمْ يَمُتْ

الحمد

الْحَمْدُ مِنْ حَيٍّ وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ
عَيْنِي فِي كُلِّ ظِلٍّ وَفِيَّ وَفِيَّ
بِجَنَابَتِكَ النِّعَمِ وَلَمْ تَنْسَخْ عَنِّي
وَفَائِيقَ الْعِصَمِ وَلَمْ تَغَيِّرْ عَلَيَّ
وَسَائِقِي النِّعَمِ قُلُوبًا لَمْ أَذْكُرْ مِنْ
إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوُكَ عَنِّي
وَالْتَوْفِيقَ لِي وَالْإِسْتِجَابَةَ
لِذُنَايَ حِينَ رَفَعْتَ صَوْتِي
يَا إِلَهِي بِرُوحِكَ وَتَهْنِئَتِكَ
وَبِحَمْدِكَ وَالْإِلَهِي فَتَدْرِيكَ

خَلَقَ حَبِيبَ نَصُورٍ لِيَقِيَنَّ فَاحْسِنَتْ
صُورِيَّيْ وَلَا يَفِيَّ فُسْعِرَ الْأَكْرَامُ
حِينَ قَدَّرَ بِهَا حَبِيبَ لَكَانَ فِي
مَا يَتَعَلَّقُ شُكْرًا عَزْجُهَا
فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ النِّعَمَ وَنِعْمَتَكَ
الْبَاقِيَةَ تَقَابَلَتْ فِيهَا وَالْأَبْلَغُ
شُكْرِيَّتِي مِنْهَا فَتِلْكَ الْحَسَنَةُ
عَدَدَ مَا حَفِظْتَهُ عِنْدَكَ وَعَدَدَ
مَا وَسَعْتَهُ رَحْمَتَكَ وَعَدَدَ
مَا احْتَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَ

فَصَحْ

اَضْعَافُ مَا اسْتَجَوَّجْتَهُ مِنْ جَمِيعِ
خَلْقِكَ اللَّهُمَّ فَتَيْمُ احْصِنَا
إِلَيْكَ فَمَا بَعِيَ مِنْ عَمَلِي كَمَا
احْسَنْتَ إِلَيَّ فَمَا صَفِي مِنْهُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اتِّصَالَ
إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَجَمُّدِكَ
وَتَحْيِيدِكَ وَتَقَلُّبِكَ وَكِبَرِكَ
وَكَمَالِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظَمَاتِكَ
وَتَقْدِيرِكَ بِسِيْلِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَوَكُّلِكَ
وَعِلْوِكَ وَتَفَاقُيِكَ وَتَمَنِّكَ

وَهَيَّاكَ وَجَّالَت وَجَدَاكَ
وَبُرْهَانَاكَ وَسُلْطَانَاكَ
مَدْرَانَاكَ وَإِخْصَانَاكَ وَأَمِينَا
وَرَحْمَتِكَ أَرِضْ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تَخْرِقَ مِنْ
رُفْدِكَ وَفَضْلِكَ وَجَلَالِكَ
وَقَوَائِدِكَ أَمَانِكَ فَإِنَّهُ لَا
يَعْتَرِبُكَ لَكْرَةً مَا قَدْ لَسْتِ
مِنْ الْعَطَا بِأَعْوَابِ الْجَنَّةِ
وَلَا يَنْقُصُ وَلَا تَنْقُصُ خَيْرَاتِي

وَبَدَل

مَوْاهِبِكَ الْمُنْبِغِ جُودِكَ الْقَسْبِ
فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَلَا تَنْفُذِ
خَزَائِنَكَ مَوْاهِبِكَ الْمُنْغِيَّةِ
وَلَا تُؤْثِرْ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ
عَيْنَكَ الْمُنَافِقَةَ الْجَمِيلَةَ الْجَلِيلَةَ
إِذَا تَخَافُ صَمَّ إِمْلَأْنِي وَلَا
يَلْجَأُكَ حَوْفُ عَدُوِّكَ فَيَنْقُصُ
مِنْ جُودِكَ يَنْقُصُ فَضْلَاتِ
اللَّهِمْ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا
خَاضِعًا ضَارِعًا وَإِيمَانًا زَائِلًا

وَدَبَّابِقًا دَبَّابًا صَابِرًا وَفِيهَا
صَادِقًا وَّسِيمًا إِذَا كَرَّ الْخَائِدُ
وَرَزَقًا وَّاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا
وَلَدًّا صَالِحًا وَعَبْدًا بَاقِيًا
وَسَيِّئًا طَوِيلًا وَعِلًّا صَالِحًا
وَعَيْنًا اسْتَعَالَكَ رَزَقًا حَلَالًا
طَبِيبًا وَلَا تَوَيْبَةً مَكَرًا وَلَا
تَنَسِيَةً ذِكْرًا وَلَا تَوَيْبَةً
مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَوْحًا وَلَا
تَكْشِفَةً عَنِ سِرِّكَ وَلَا تَغْطِيَةً

وَلَا تَعْدُوْنِي وَلَا تُبَا عِدَائِي
مِنْ جَوَارِكَ وَمِنْ كَيْفِيَّتِكَ
وَالْجَوَارِكَ وَالْعِدَائِي مِنْ حَقِّكَ
وَعُضْبِكَ وَلَا تَوَيْبَةً مِنْ
رَحْمَتِكَ وَرَوْحًا وَكَرْبًا
أَبْسًا مِنْ كُلِّ وَعْدٍ وَحَقٍّ
وَأَعْيُوبٍ مِنْ كُلِّ هَلَاكٍ وَنَجْنٍ
مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَبَلِيَّةٍ وَغَضَبَةٍ
عَاقِبَةٍ وَهَاطَةِ وَذِلَّةٍ وَعِلَّةٍ
وَقَلْبَةٍ وَرَحِيضٍ وَبَرَصٍ وَفَقْرٍ

وَفَاقِرَ وَدَّابِحَ وَزُلَّ لَيْلَ وَغَرَقَ
وَحَرَقَ وَشَرَقَ وَخَضِرَ وَبَرَقَ
وَجَوَّعَ وَعَطِشَ وَجَبَّ وَضَلَّ
وَحَيَّرَ وَشَدَّ وَكَلَبَ وَفَصَّ
فِي الدَّارَيْنِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمُبْعَاذَ اللَّهُمَّ ارْقِنَا قِنَةَ
وَلَا تُضِعْهُ وَارْفَعْ عَنِّي وَلَا
تَدْفَعْهُ وَاعِزَّنِي وَلَا تَحْزِنْهُ
وَإِزِّنِي وَلَا هَبْنِي وَزِدْنِي
وَلَا تَنْقُصْنِي وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تُخْذِلْنِي وَأَسْتَعِزُّ
وَلَا أَتَفَضَّلُكَ الْوَرَبُ وَلَا تُؤْخِرْ
عَنِّي وَاحْفَظْنِي وَلَا تُضَيِّعْنِي
فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا
جَدِيدٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
إِطَاهِيرِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
اللَّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ
وَبَرَكْتِ فِيهِ يَتَوَفَّقُكَ وَيَسِّرُكَ
فَتَبِّهْ لِي بِأَحْسَنِ الوجودِ كُلِّهَا
وَاصْلِحْ لَهَا وَأَصْلِحْ لَهَا الْآلَ عَلَى

مَا شَاءَ قَدِيرٌ وَإِلَّا جَاءَ بِرَجِيمٍ
يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ بِأَسْفِهِ
يَا مَنْ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ
عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَا مَنْ
أَسْرَدَهُ إِذَا أَرَادَ مَسِيئًا أَنْ يَقُولَ
لَوْ كُنْتُ فَيَكُونُ وَمَسْجِدَاتِ اللَّهِ فِي
بَيْتِهِ مَلَكَوَتْ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَهُهُ
تُرْجَعُونَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَبَارَكْهُم
تَسْلِيمًا كَبِيرًا اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ

دعوتهم

دَعْوَتِهِمْ يَا اسْتَجِبْ دُعَاءَ جَمِيعِ
الْمُتَّقِينَ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بَعْدَ إِذْ نَأْيَنَاهُ عَابِجُوهُنَّ الْفِي
بَحْرِي سِرِّ هَذِهِ الْأَمْرِ أَرَادَ بَحْرِي
كَرَمَكَ الْحَقَّيْنِ وَبَحْرِي أَسْمَكَ
الْأَعْظَمَ أَنْ تَقْبَلَ حَاجَتِي كُنْ
فَيَكُونُ الْإِلَهِي مَنْ ذَا إِلَهِكَ دَعَا
قَلَمُ بَحْرِيهِ وَمِنْ أَلْفِ سَعَاكَ
قَلَمُ غَضَبِهِ وَمِنْ أَلْفِ اسْتِغَاثَةٍ

بِكَ فَعَلِمَ جَرَدٌ وَمِنْ لَدُنْكَ سَمْعًا
بَايَ فَعَلِمَ نَفْسُهُ وَالْعَوْنُ أَهَ الْغَيْبِ
بَاغِيَابِكَ الْمُسْتَعِينِينَ الْغَيْبِ
بَا رَبِّتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ هَذَا الْخُتَامُ وَفَا
سُبْحَنَ اللَّهِ مَا لَا يُلْفَى بِالْغَيْبِ
وَأَدْرِكُنِي بِحَقِّ لَطْفِكَ الْخَيْبِ
إِلَهِي كُنْ عَلَيَّ عَنْ الْمَعْنَى
وَكُنْ كَرَمًا عَنِ السُّؤَالِ
اللَّهُمَّ تَقَرَّرْ عَلَيَّ وَاحْشُرْ لِي

وَلِي

وَكُنْ لِي وَلَا تَكُنْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ
فَرِّجْ هَيْبَةً وَاكْشِفْ غَيْبَةً وَ
اهْلِكْ عَذَابِي بِقُدْرَتِكَ
يَا أَقْدَرَ الْفَاعِلِينَ وَارْحَمَنِي
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
سُبْحَانَ الْفَاعِلِ وَالْفَاعِلِ
الْمُتَوَكِّلِ الْجَبَّارِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ
بَلِّغْ صَبْرِي بِرَحْمَتِكَ اسْتَعِثْ
اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ارْعَوْهُ
اسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ

اَلْمُبْعَاثُ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ سِتْرِ هَلِيْهِ
اَلْاَسْرَارِ وَبِحَقِّ كَرَمِكَ الْحَقِّ
وَبِحَقِّ اَلِاسْمِ الْاَعْظَمِ اَنْفَعِ
حَاجَتِيْ وَتَصِلْنِيْ اِلَى سَرَارِ
وَدَفْعِ عَنِّيْ شَرِّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
اگر کسی بنام اسم سرور را بخواند واجب است که در هر روز
بر او بخواند و هر چه از او بخواهد در هر روز بر او بخواند
بسته دفع شر و غلبه و کمال است اگر هر روز این را بخواند
مصدق است نعمتی که خود را به نام ملقب و در هر یک از
کتاب

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

لیما لقا و در راه دور گریخت چون از کوهی غفلت نایه و پانی
عمداً شیرین که در میان راه داشت گریخته و حقیقت هم
را عاریتاً در قصه انچه **ف** در نیت راه اول و
دان انقباض است پس بعد از ضرورتاً بصورتی که در
این کمر گریخت و علی ان چنانچه در با کعب
به انچه در کتب تاریخ از کوه قنار در ویدارید از کوه
شده غریب انگاه بهم میزدند و چون جمیع علاقه مذکور را
غایب و بدست نهاد با تمام میانی که در آنجا میرسد
و حقیر از کتب و در تاریخ و نظریات نایه و چون ظاهر
میکنند را در مذکور در دایره اسلام و کلام در شیخ
در دریاچه چشمه برینیه است که از کتب انکس بان مکلف
منقول است که برینیه برینیه بنام او در اولیت
نام برینیه که در زمان بنی امیه مذکور شده و در اسلام
مختصه برینیه یکجا در این مرقع را در نیت گرفت ان را
حقیر کند و بدست او و انچه انچه بود که برینیه بنام او
نیز میزدند و در انظر الفیاض و انچه در انظر الفیاض
است که در کتب انظر الفیاض و انچه در کتب انظر الفیاض
که کلامه و انظر الفیاض و انچه در کتب انظر الفیاض
منقول است که در کتب انظر الفیاض و انچه در کتب انظر الفیاض

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or letter. The text is dense and covers most of the page, with some red ink used for headings or corrections. The script is cursive and characteristic of the Ottoman era.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بجمله مطروحات و دیگر در باره و مذهب مانا ایستاده شد
باز الله و وطنم این است

و طوعا و روعا و صلوات الله عليه و آله و سلم

بغض این طلسم را از او نشسته نبویس بر قلم کاد

۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

10
 11
 12
 13
 14
 15
 16
 17
 18
 19
 20
 21
 22
 23
 24
 25
 26
 27
 28
 29
 30
 31
 32
 33
 34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100
 101
 102
 103
 104
 105
 106
 107
 108
 109
 110
 111
 112
 113
 114
 115
 116
 117
 118
 119
 120
 121
 122
 123
 124
 125
 126
 127
 128
 129
 130
 131
 132
 133
 134
 135
 136
 137
 138
 139
 140
 141
 142
 143
 144
 145
 146
 147
 148
 149
 150
 151
 152
 153
 154
 155
 156
 157
 158
 159
 160
 161
 162
 163
 164
 165
 166
 167
 168
 169
 170
 171
 172
 173
 174
 175
 176
 177
 178
 179
 180
 181
 182
 183
 184
 185
 186
 187
 188
 189
 190
 191
 192
 193
 194
 195
 196
 197
 198
 199
 200
 201
 202
 203
 204
 205
 206
 207
 208
 209
 210
 211
 212
 213
 214
 215
 216
 217
 218
 219
 220
 221
 222
 223
 224
 225
 226
 227
 228
 229
 230
 231
 232
 233
 234
 235
 236
 237
 238
 239
 240
 241
 242
 243
 244
 245
 246
 247
 248
 249
 250
 251
 252
 253
 254
 255
 256
 257
 258
 259
 260
 261
 262
 263
 264
 265
 266
 267
 268
 269
 270
 271
 272
 273
 274
 275
 276
 277
 278
 279
 280
 281
 282
 283
 284
 285
 286
 287
 288
 289
 290
 291
 292
 293
 294
 295
 296
 297
 298
 299
 300
 301
 302
 303
 304
 305
 306
 307
 308
 309
 310
 311
 312
 313
 314
 315
 316
 317
 318
 319
 320
 321
 322
 323
 324
 325
 326
 327
 328
 329
 330
 331
 332
 333
 334
 335
 336
 337
 338
 339
 340
 341
 342
 343
 344
 345
 346
 347
 348
 349
 350
 351
 352
 353
 354
 355
 356
 357
 358
 359
 360
 361
 362
 363
 364
 365
 366
 367
 368
 369
 370
 371
 372
 373
 374
 375
 376
 377
 378
 379
 380
 381
 382
 383
 384
 385
 386
 387
 388
 389
 390
 391
 392
 393
 394
 395
 396
 397
 398
 399
 400
 401
 402
 403
 404
 405
 406
 407
 408
 409
 410
 411
 412
 413
 414
 415
 416
 417
 418
 419
 420
 421
 422
 423
 424
 425
 426
 427
 428
 429
 430
 431
 432
 433
 434
 435
 436
 437
 438
 439
 440
 441
 442
 443
 444
 445
 446
 447
 448
 449
 450
 451
 452
 453
 454
 455
 456
 457
 458
 459
 460
 461
 462
 463
 464
 465
 466
 467
 468
 469
 470
 471
 472
 473
 474
 475
 476
 477
 478
 479
 480
 481
 482
 483
 484
 485
 486
 487
 488
 489
 490
 491
 492
 493
 494
 495
 496
 497
 498
 499
 500
 501
 502
 503
 504
 505
 506
 507
 508
 509
 510
 511
 512
 513
 514
 515
 516
 517
 518
 519
 520
 521
 522
 523
 524
 525
 526
 527
 528
 529
 530
 531
 532

تغیر بخواند و هر چه در آن است، مال او

سید سلیم بن کسند عشر ساله

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

لعمري ان قصه پر سرور اخوان قبول كند و در

A photograph of an open manuscript. The left side shows a dark brown, textured leather cover. The right side shows a heavily stained, aged parchment page with faint, illegible handwritten text in Arabic script. The binding is visible in the center crease.

